طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

شهادت مظلومانه
بانوی دوعالم حضرت فاطمه زهرا (س)
تسلیت باد

یکشنبه ۲ آذر ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۴۸ قیمت ۵۰۰۰ تومان

۲ گزارش

کریدور نوردوز-آگاراک: گامی بلند در تحول ترانزیت منطقه‌ای و جایگاه ایران در قفقاز؛

اهمیت استراتژیک همکاری‌های مرزی ایران و ارمنستان

طرح نو؛ سردبیر
مذاکرات اخیر میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان برای راه‌اندازی یک «کریدور گمرکی ساده‌شده» در گذرگاه مرزی نوردوز – آگاراک، فصل جدیدی از همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی منطقه‌ای را نوید می‌دهد. این طرح که وارد مرحله اجرایی و عملیاتی شده است، پتانسیل دگرگون‌سازی مسیرهای حمل‌ونقل و ترانزیت میان دو کشور را دارد و می‌تواند سرعت جابه‌جایی کالاها را به شکل چشمگیری افزایش دهد. هدف اصلی این کریدور، تسهیل تجارت فرامرزی از طریق کاهش موانع بوروکراتیک و استفاده از فناوری‌های نوین در فرآیندهای گمرکی است.
تسهیل عبور و مرور کالاها از مرز نوردوز – آگاراک صرفاً به نفع دو کشور امضاکننده نیست، بلکه نقشی کلیدی در تسهیل تجارت بین‌المللی در محور شمال–جنوب ایفا می‌کند و جایگاه ایران به عنوان یک قطب ترانزیتی منطقه‌ای را تثبیت خواهد کرد.

جزئیات طرح کریدور گمرکی ساده‌شده

کریدور گمرکی ساده‌شده بر پایه چند ستون اصلی بنا شده است که اجرای موفقیت‌آمیز آن‌ها منجر به کاهش چشمگیر زمان توقف کامیون‌ها و افزایش کارایی رویه‌های گمرکی خواهد شد.
محور اصلی این طرح، اجرای کامل سیستم تبادل ....

۱ سرمقاله

در جستجوی حقیقت تاریخیِ یک روایت عاشقانه؛

«اصلی و کرم» افسانه‌ای در قلب قفقاز و آناتولی

طرح نو؛سردبیر
روایت «اصلی و کرم» یکی از قصه‌های عاشقانه‌ی فلکولوریک در پهنه‌ی فرهنگی قفقاز و برخی مناطق آناتولی است. این داستان که نمادی از عشق نافرجام و وفاداری مطلق است، نسل‌هاست که سینه‌به‌سینه نقل شده و بخشی از ادبیات عاشقی و فولکلور منطقه محسوب می‌شود. با این حال، پرسش کلیدی که همواره در پژوهش‌های جدی فولکلور و تاریخ مطرح بوده، ماهیت تاریخی شخصیت‌های این روایت است. آیا اصلی و کرم صرفاً شخصیت‌های ساختگی در یک قصه هستند یا بر اساس شخصیت‌های تاریخی واقعی شکل گرفته‌اند؟
پژوهش‌های گسترده فولکلور، نسخه‌شناسی، و تاریخ شفاهی نشان می‌دهد که «اصلی و کرم» در وهله اول یک افسانه است و شواهد تاریخی قطعی برای اثبات وجود شخصیت‌های اصلی و کرم در دوران تاریخی مشخص، وجود ندارد. این سند به بررسی دلایل این نتیجه‌گیری و تحلیل شواهد موجود می‌پردازد.....

۲ یادداشت سیاسی

اکرم امام اوغلو، رقیب جدی برای اردوغان؛

مهره کلیدی برای آینده سیاسی ترکیه

۸ شهری

شهردار تبریز:

سیاست مدیریت شهری توزیع خدمات در محلات کم برخوردار است

در جستجوی حقیقت تاریخیِ یک روایت عاشقانه؛

«اصلی و کرم» افسانه‌ای در قلب قفقاز و آناتولی

طرح نو؛سردبیر
روایت «اصلی و کرم» یکی از قصه‌های عاشقانه‌ی فلکولوریک در پهنه‌ی فرهنگی قفقاز و برخی مناطق آناتولی است. این داستان که نمادی از عشق نافرجام و وفاداری مطلق است، نسل‌هاست که سینه‌به‌سینه نقل شده و بخشی از ادبیات عاشقی و فولکلور منطقه محسوب می‌شود. با این حال، پرسش کلیدی که همواره در پژوهش‌های جدی فولکلور و تاریخ مطرح بوده، ماهیت تاریخی شخصیت‌های این روایت است. آیا اصلی و کرم صرفاً شخصیت‌های ساختگی در یک قصه هستند یا بر اساس شخصیت‌های تاریخی واقعی شکل گرفته‌اند؟
پژوهش‌های گسترده فولکلور، نسخه‌شناسی، و تاریخ شفاهی نشان می‌دهد که «اصلی و کرم» در وهله اول یک افسانه است و شواهد تاریخی قطعی برای اثبات وجود شخصیت‌های اصلی و کرم در دوران تاریخی مشخص، وجود ندارد. این سند به بررسی دلایل این نتیجه‌گیری و تحلیل شواهد موجود می‌پردازد.

بررسی منابع معتبر و نبود شواهد تاریخی

بررسی منابع معتبر آذربایجانی، قفقازی، ارمنی و گرجی که به ادبیات شفاهی و کتبی این منطقه پرداخته‌اند، نشان‌دهنده خلأ جدی در مستندسازی تاریخی این شخصیت‌ها است.

الف) در منابع علمی و دانشنامه‌ای معتبر منطقه‌ای، اشاره‌ای به وجود تاریخی شخصیت‌هایی با نام‌های «اصلی» و «کرم» که منشأ این داستان باشند، نشده است. در دایرةالمعارف اسلام ترکیه، که یکی از جامع‌ترین منابع در زمینه فرهنگ و تاریخ منطقه است، در مدخل‌های مربوط به ادبیات عاشقی و قصص عامیانه، «اصلی و کرم» را به عنوان یک «حکایت» یا «روایت شفاهی» معرفی می‌کند. در این منابع، هیچ اشاره‌ای به مکان‌های دفن یا شواهد تاریخی تأیید شده‌ای برای این دو عاشق وجود ندارد. این سکوت منابع معتبر، نشان‌دهنده آن است که این داستان بیشتر کارکرد اسطوره‌ای و اخلاقی داشته تا تاریخی.

ب) ادبیات عاشیقی آذربایجان مملو از داستان‌های عاشقانه است که اغلب با شخصیت‌های تاریخی یا نیمه‌تاریخی (مانند کوراوغلو) پیوند داده شده‌اند. با این حال، در بررسی‌های تخصصی ادبیات عاشیقی آذربایجان، داستان «اصلی و کرم» همواره در دسته‌بندی قصه‌های عاشقانه محض (مانند لیلی و مجنون یا خسرو و شیرین) قرار گرفته و شواهد تاریخی برای آن ارائه نشده است.

ج) قصه اصلی و کرم، مانند بسیاری از قصه‌های مرزی قفقاز، در فرهنگ‌های همسایه نیز بازتاب یافته است. نسخه‌های ارمنی (با نام‌های مشابه) و گرجی این داستان، که اغلب به صورت شفاهی یا در مجموعه‌های فولکلوریک جمع‌آوری شده‌اند، نیز هیچ‌گاه به یک مکان یا زمان تاریخی مشخص برای وقوع این واقعه اشاره نکرده‌اند. این پراکندگی جغرافیایی و فرهنگی داستان، بیشتر نشان‌دهنده قدرت جذب روایت در میان فرهنگ‌های مختلف است تا ریشه داشتن آن در یک واقعه تاریخی واحد.

د) نقطه عطف در بحث اثبات یا رد تاریخی بودن یک شخصیت، وجود شواهد فیزیکی مانند مقبره یا آثار مادی است. در مورد «اصلی» (که گاهی نامش مریم ذکر می‌شود) و «کرم» (که نام اصلی‌اش محمود ذکر شده)، هیچ مقبره‌ی تأیید شده‌ای در هیچ‌یک از منابع معتبر محلی یا بین‌المللی معرفی نشده است.

مکان‌های «نسبت‌داده‌شده» و ماهیت نمادین آن‌ها

در مناطقی که روایت «اصلی و کرم» رواج دارد، مکان‌هایی به صورت پراکنده به این دو عاشق نسبت داده شده‌اند؛ اما این انتساب‌ها فاقد اعتبار تاریخی هستند و اغلب کارکرد نمادین یا زیارتی (در معنای فولکلوریک) دارند.
مورد در ساکاریا (ترکیه): در منطقه آناتولی، ممکن است آرامگاه‌ها یا مکان‌هایی با نام‌هایی نظیر مقبره کرم‌علی در مناطقی مانند ساکاریا (استان‌هایی در غرب ترکیه) مشاهده شود. اما پژوهش‌های محلی و تاریخی نشان داده‌اند که این مکان‌ها عموماً به شخصیت‌های صوفی، دراویش یا قدیسین محلی نسبت داده می‌شوند که نامشان با نام‌های شخصیت‌های داستان تلاقی داشته است. این مکان‌ها ارتباط مستقیمی با داستان عاشقانه «اصلی و کرم» ندارند و صرفاً یک هم‌نامی یا «نسبت‌دهی متأخر» در فضای زیارتی منطقه است.

تحلیل تاریخ شفاهی در تبریز (منطقه‌ی قراملک و مایان): یکی از مهم‌ترین شواهد دال بر ماهیت متأخر نسبت‌دهی این مسئله به محلاتی در تبریز، گزارش‌های تاریخ شفاهی در مناطق نزدیک به این شهر (مانند قراملک و مایان) است. تا حدود دو دهه پیش، اهالی این مناطق به قبوری که در روایت‌های مدرن به عنوان آرامگاه اصلی و کرم معرفی می‌شوند، نام‌هایی کاملاً متفاوت می‌دادند. این قبور اغلب با نام‌هایی مانند «پیرحسن» یا «باجی قارداش قبرلری» (قبر خواهر و برادر) شناخته می‌شدند. هیچ منبع محلی قدیمی، اسناد وقفی، یا روایت‌های شفاهی نسل‌های پیشین، این قبور را به شخصیت‌های «اصلی» (مریم) و «کرم» (محمود) نسبت نمی‌دادند. این مشاهده نشان می‌دهد که نسبت دادن این قبور به عاشقان افسانه‌ای، پدیده‌ای نسبتاً مدرن است که احتمالاً در دهه‌های اخیر و در پی افزایش جریان قوم‌گرایی از یک سو و محبوبیت داستان در قالب‌های نوین (مانند تئاتر، موسیقی عامیانه مدرن، یا رسانه‌های جمعی) شکل گرفته است.

تحلیل مقایسه‌ای پدیده‌ای متأخر و هویت‌ساز

تحلیل مقایسه‌ای بین مستندات تاریخی سنتی و روایات مدرن نشان می‌دهد که نسبت‌دادن مکان‌های خاص به «اصلی و کرم» فاقد سند تاریخی است و ریشه در نیازهای فرهنگی و هویتی دوران معاصر دارد. در دوران مدرن، بسیاری از جوامع به دنبال ریشه‌های تاریخی برای قصه‌ها و اساطیر خود می‌گردند. این امر در مورد «اصلی و کرم» نیز صادق است. هنگامی که یک روایت عاشقانه به عنوان نماد هویت یک قوم معرفی می‌شود، تمایل به «زمینه‌دار کردن» آن در جغرافیای شناخته‌شده افزایش می‌یابد. این پدیده به شرح زیر قابل تحلیل است:

نیاز به مکان: افسانه‌ها برای ماندگاری بیشتر در ذهن جمعی نیاز به مکان دارند. نسبت دادن مکان (حتی اگر نادرست باشد) به داستان، به آن جنبه‌ای ملموس و قابل زیارت می‌بخشد.
تأثیر ادبیات متأخر: برخی از نسخه‌های متأخر ادبی داستان، ممکن است در تلاشی برای ایجاد یک ساختار روایی منسجم‌تر، به طور اختیاری مکان‌هایی را در منطقه جغرافیایی خود برای شخصیت‌ها تعیین کرده باشند که این امر سند تاریخی محسوب نمی‌شود.
داستان «اصلی و کرم» از جهاتی شباهت ساختاری به قصه‌هایی چون «علی و نینو» (که اغلب به صورت دو عاشق مسلمان و مسیحی روایت می‌شود) دارد. این قصه‌ها در بستر چندقومیتی و چندمذهبی قفقاز شکل گرفته‌اند، جایی که تعاملات فرهنگی عمیق بوده است. نکته مهم این است که «علی و نینو»، علی‌رغم ریشه داشتن در فرهنگ مشترک قفقاز، نیز آرامگاه تاریخی واقعی برای شخصیت‌های اصلی خود ندارد. این شباهت نشان می‌دهد که قصه‌های عاشقانه بزرگ منطقه، بیشتر بیانگر آرمان‌های فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی هستند تا شرح وقایع تاریخی ثبت‌شده.

داستان یک افسانه است، نه تاریخ

در پایان باید گفت که بر اساس بررسی منابع معتبر فولکلوریک، فقدان شواهد تاریخی قطعی، عدم وجود مقبره‌های تأیید شده و تحلیل تاریخ شفاهی محلی در مناطقی مانند تبریز، می‌توان نتیجه گرفت که روایت «اصلی و کرم» در اصل یک قصه عاشقانه فولکلوریک است که ریشه در تجارب مشترک فرهنگی قفقاز و آناتولی دارد، اما شخصیت‌های اصلی آن فاقد شواهد تاریخی برای اثبات وجود فیزیکی در دوران مشخص هستند.
نسبت‌دادن مکان‌هایی به این شخصیت‌ها، پدیده‌ای متأخر و نمادین است که بیشتر برآمده از بازخوانی‌های مدرن برای ایجاد یک هویت ملموس برای داستان است تا انعکاس یک واقعیت تاریخی ثبت‌شده. «اصلی و کرم» در مقام یک افسانه، به عنوان نماد عشق جاودان باقی خواهد ماند، نه به عنوان گزارشی از واقعیت‌های تاریخی منطقه.

خبر

استاندار:

استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها، کلید توسعه اقتصادی آذربایجان شرقی است

طرح نو؛ سردبیر

استاندار آذربایجان بر بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های استان برای توسعه اقتصادی تأکید کرد و خواستار تجهیز گمرکات، فعال‌سازی مناطق آزاد، نوسازی کارخانه‌ها و اصلاح ساختار صنایع بزرگی مانند مس سونگون شد.

بهرام سرمست در یکصد و هجدهمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان با حضور وزیر اقتصاد و دارایی، بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های استان برای توسعه اقتصادی تأکید کرد و گفت: گمرکات جلفا و نوردوز باید تجهیز و تکمیل شوند و نقاط مرزی آق‌بند و کلابه که می‌توانند در توسعه استان نقش مهمی ایفا کنند، مورد توجه قرار گیرند. همچنین باید از ظرفیت‌های منطقه آزاد ارس و مجموعه پتانسیل‌های آن نهایت بهره‌برداری صورت گیرد.

سرمست افزود: در استان تلاش داریم از تمام ظرفیت‌ها برای پیشبرد توسعه بهره ببریم. شهرک سرمایه‌گذاری خارجی استان می‌تواند محلی برای جذب سرمایه‌گذار خارجی باشد و الحاق بخشی از این شهرک به حوزه فناوری‌های نوین اقتصادی، در راستای سیاست‌های دولت، اقدامی مؤثر خواهد بود.

وی با اشاره به سابقه منطقه اقتصادی سهلان گفت: الحاقیه‌ای برای این منطقه در نظر گرفته شده که می‌تواند ویژگی منحصر به فردی برای استان ایجاد کند.

سرمست به بازسازی کارخانه ماشین‌سازی اشاره کرد و گفت: برای نوسازی این کارخانه نیازمند ظرفیت‌های مالی هستیم. این پروژه یا باید به‌طور کامل نوسازی شود یا به بخش خصوصی واگذار شود. البته تجربه گذشته در واگذاری‌ها تلخ بوده و لازم است قبل از هر تصمیمی مطالعه کافی انجام شود.

وی همچنین به مسائل مس سونگون اشاره و اظهار کرد: موضوعاتی مانند مطالبات گذشته و ابهامات بخش خصوصی نیازمند توجه ویژه است. تأکید اصلی بر تشکیل هلدینگ مس ایران برای اصلاح ساختار، بازگشت مالیات و ارزش افزوده است. متأسفانه تعهداتی که در این زمینه داده شده تاکنون به درستی اجرا نشده است.

سرمست در ادامه گفت: انتقال حساب‌های دولتی به استان، موضوع مس سونگون و فولاد میانه نیازمند پیگیری ویژه و حمایت مالی است. همچنین در این راستا می‌توان بخشودگی صددرصدی جرایم را مدنظر قرار داد.

وی در پایان تأکید کرد: پیگیری این موضوعات و استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها، مسیر توسعه پایدار و اثرگذار استان را هموار خواهد کرد.

اکرم امام اوغلو، رقیب جدی برای اردوغان؛

مهره کلیدی برای آینده سیاسی ترکیه

طرح نو، سردبیر

فایننشال تایمز، نشریه معتبر اقتصادی، در گزارشی جامع به بررسی چشم‌انداز سیاسی ترکیه پرداخته و اکرم امام اوغلو، شهردار فعلی استانبول که در حال حاضر در زندان به سر می‌برد را به عنوان رقیبی جدی برای رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی ترکیه، معرفی کرده است. این تحلیل نه تنها به محبوبیت پایدار امام اوغلو اشاره دارد، بلکه ابعاد کاریزماتیک و پتانسیل او برای هدایت ترکیه به سمت غرب را برجسته می‌سازد.

تحولات در صحنه سیاسی ترکیه

سیاست ترکیه همواره شاهد رقابت‌های نفس‌گیر و تغییرات پارادایمی بوده است. در دو دهه اخیر، رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه (AKP) محور اصلی این تحولات بوده‌اند. با این حال، ظهور چهره‌هایی مانند اکرم امام اوغلو، که توانسته است با پیروزی در شهرداری کلان‌شهری مانند استانبول، شوک بزرگی به حزب حاکم وارد کند، چشم‌انداز سیاسی کشور را وارد فاز جدیدی از رقابت کرده است. گزارش‌های تحلیلی، به ویژه از سوی رسانه‌های بین‌المللی مانند فایننشال تایمز، بر اهمیت فزاینده امام اوغلو به عنوان یک نیروی اپوزیسیون منسجم تأکید دارند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سیاسی اکرم امام اوغلو، توانایی او در حفظ پایگاه حمایتی قوی خود، حتی در مواجهه با فشارها و اتهامات حقوقی است. این مسئله نشان‌دهنده عمق نفوذ وی در جامعه و عدم موفقیت روایت رسمی دولت در تخریب چهره اوست.

فایننشال تایمز با استناد به نظرسنجی‌ها، اشاره می‌کند که اکثریت مردم ترکیه نسبت به اتهامات مالی وارده بر امام اوغلو بی‌اعتماد هستند. این اتهامات که اغلب به سوءاستفاده از منابع عمومی یا فعالیت‌های غیرقانونی در دوران شهرداری بازمی‌گردد، نتوانسته است وجهه او را به طور کامل مخدوش سازد.

بر اساس داده‌های ذکر شده در گزارش، تنها ۲۶ درصد از شهروندان ترک اتهامات مالی علیه امام اوغلو را واقعی می‌دانند. بخش بزرگی از جامعه معتقدند این اتهامات انگیزه‌های سیاسی دارند. و هسته رأی‌دهندگان او (شامل رأی‌دهندگان و سایر گروه‌های اپوزیسیون) در برابر این فشارها متحدتر شده‌اند. این پایداری در محبوبیت، به ویژه در شهری با بافت جمعیتی پیچیده مانند استانبول، او را از سایر چهره‌های اپوزیسیون متمایز می‌سازد. این حمایت گسترده، او را به عنوان نامزد بالقوه ریاست جمهوری در انتخابات‌های آتی مطرح می‌کند.

گفتنی است که پرونده‌های قضایی علیه امام اوغلو، که گاه شامل حکم‌های حبس تعلیقی و ممنوعیت فعالیت‌های سیاسی می‌شود، به جای تضعیف، گاهی به تقویت جایگاه او به عنوان «قربانی» سیستمی که تلاش می‌کند صدای مخالف را خفه کند، کمک کرده است. این وضعیت، شکاف میان حکمرانی فعلی و بخش‌های منتقد جامعه را عمیق‌تر می‌کند.

چهره‌ای با ریشه‌های سنتی و گرایش‌های مدرن

کاریزمای اکرم امام اوغلو ناشی از توانایی او در برقراری ارتباط با لایه‌های مختلف جامعه ترکیه است؛ جامعه‌ای که اغلب بر اساس خطوط سکولار–مذهبی یا شهری–روستایی قطبی شده است.

امام اوغلو اصالتاً اهل منطقه ترابزون در سواحل دریای سیاه است. این پیشینه به او وجهه‌ای از ملی‌گرایی سنتی و ریشه‌دار می‌بخشد که برای بخش‌های محافظه‌کار و مذهبی جامعه ترکیه قابل احترام است. او توانسته است این ریشه‌ها را با سبک زندگی و رویکرد مدیریتی مدرن خود تلفیق کند. همچنین برخاستن از یک خانواده سنتی، اعتبار او را نزد رای‌دهندگان مذهبی افزایش می‌دهد، در حالی که مواضع او در مسائل شهری و حکمرانی، قشر سکولار را جذب می‌کند. او به دلیل سخنرانی‌های مسلط و استفاده مؤثر از زبان ساده و صمیمی، به سرعت توانایی برقراری ارتباط عمیق با توده‌ها را کسب کرده است.

با این که در دوران اردوغان، سیاست ترکیه شدیداً قطبی شده است، اما اکرم امام اوغلو با اجتناب از ادبیات تهاجمی شدید علیه نهادهای مذهبی، و در عوض، تمرکز بر مدیریت شهری و ارائه راهکارهای عملی، توانسته از این دام بگریزد. او نماینده نسلی است که به دنبال سازش میان هویت‌های متفاوت ترکیه است. این رویکرد، به او امکان می‌دهد تا رأی‌هایی را از حاشیه حزب حاکم نیز به سمت خود جلب کند، چیزی که برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ضروری است.

رهبری برای نزدیکی به غرب

بیشترین تفاوت میان اکرم امام اوغلو و رجب طیب اردوغان، در چشم‌انداز سیاست خارجی و جهت‌گیری‌های بین‌المللی است. فایننشال تایمز به این نکته اشاره می‌کند که امام اوغلو می‌تواند مسیر ترکیه را به سوی همسویی بیشتر با غرب تغییر دهد.

دولت اردوغان در سال‌های اخیر، به ویژه پس از کودتای ۲۰۱۶، روابط پرتنش و پیچیده‌ای با اتحادیه اروپا، ایالات متحده و نهادهای غربی داشته است. این تنش‌ها عمدتاً حول محور دموکراسی، حقوق بشر، و سیاست‌های منطقه‌ای (مانند خرید سامانه دفاعی S-۴۰۰ از روسیه) شکل گرفته‌اند. امام اوغلو، در مقابل، بر اهمیت روابط اقتصادی و سیاسی قوی با شرکای سنتی غربی تأکید دارد. دیدگاه او شامل موارد زیر است:

– بازگرداندن ترکیه به مسیرهایی که برای سرمایه‌گذاران غربی و نهادهای بین‌المللی قابل اعتمادتر باشد.

– ارتقاء شفافیت اقتصادی، که برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حیاتی است.

– استفاده از دیپلماسی مبتنی بر همکاری به جای تقابل در مسائل منطقه‌ای.

به عنوان شهردار استانبول، بزرگترین مرکز اقتصادی و جمعیتی ترکیه، هر تصمیمی که امام اوغلو در حوزه مدیریت شهری و اقتصادی می‌گیرد، تأثیر مستقیمی بر تصویر کلی ترکیه در جهان دارد. موفقیت در مدیریت این ابرشهر می‌تواند به عنوان آزمون موفقیت نهایی او در رهبری یک کشور تفسیر شود. این موفقیت مدیریتی، به طور طبیعی، اعتماد بین‌المللی را به توانایی او در اداره اقتصاد کلان تقویت می‌کند.

اگر امام اوغلو در دهه آینده قدرت را به دست گیرد، انتظار می‌رود ترکیه شاهد کاهش تنش‌های ژئوپلیتیک و افزایش هم‌سویی با ناتو و نهادهای اروپایی باشد. این تغییر می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر ثبات منطقه‌ای و جریان سرمایه جهانی داشته باشد.

مسیر دشوار تا کاخ ریاست جمهوری

با وجود پتانسیل بالا، مسیر پیش روی اکرم امام اوغلو خالی از سنگلاخ نیست. چالش‌ها عمدتاً در دو حوزه متمرکز هستند: فشار قانونی و رقابت درون‌حزبی و ائتلافی.

همانطور که اشاره شد، پرونده‌های قضایی یک تهدید دائمی هستند. این پرونده‌ها می‌توانند به ابزاری برای رد صلاحیت او در انتخابات‌های آتی تبدیل شوند. در نظام حقوقی ترکیه، احکام صادره توسط دادگاه‌ها می‌توانند نفوذ عمیقی در فرآیندهای انتخاباتی داشته باشند. تحلیلگران معتقدند که هدف اصلی از پیگیری این پرونده‌ها، جلوگیری از کاندیداتوری او در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ (یا هر انتخابات زودهنگام دیگر) است.

موفقیت اپوزیسیون در انتخابات محلی اخیر، مدیون ائتلاف گسترده‌ای بود که از احزاب سکولار تا ملی‌گرایان رادیکال را در بر می‌گرفت. با این حال، حفظ این ائتلاف برای انتخابات ریاست جمهوری دشوارتر خواهد بود.

آیا رهبران سایر احزاب (مانند کمال قلیچداراوغلو یا مرال آکشنر) بر سر انتخاب نهایی او به عنوان نامزد ریاست جمهوری به توافق خواهند رسید؟

امام اوغلو باید اطمینان حاصل کند که گرایش‌های غرب‌گرایانه او، موجب ریزش آرای ملی‌گرایان سخت‌گیر که به دنبال رویکردی قاطع‌تر در برابر غرب هستند، نخواهد شد.

مهره کلیدی برای آینده سیاسی ترکیه

گزارش فایننشال تایمز، اکرم امام اوغلو را به عنوان تجسم امیدهای بخشی از جامعه ترکیه برای آینده‌ای متفاوت ترسیم می‌کند. او نه تنها یک رقیب سیاسی برای اردوغان است، بلکه نمادی از یک مسیر جایگزین برای ترکیه است؛ مسیری که تعادلی میان هویت سنتی و نیازهای جهانی مدرن برقرار می‌کند. و تا زمانی که حمایت مردمی او در استانبول و سایر شهرهای بزرگ پابرجا باشد، امام اوغلو نیرویی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. توانایی او در جلب رضایت طیف وسیعی از رأی‌دهندگان، از اسلام‌گرایان میانه‌رو تا سکولارهای شهری، او را به محتمل‌ترین کاندیدای پیروز در مقابل اردوغان تبدیل می‌کند، مشروط بر آنکه بتواند از چالش‌های حقوقی پیش‌رو عبور کند و ائتلاف اپوزیسیون را متحد نگه دارد. در صورت موفقیت، نقش او در نزدیکی مجدد ترکیه به غرب، می‌تواند فصلی جدید در تاریخ معاصر این کشور گشاید.

گزارش

کریدور نوردوز–آگاراک: گامی بلند در تحول ترانزیت منطقه‌ای و جایگاه ایران در قفقاز؛

اهمیت استراتژیک همکاری‌های مرزی ایران و ارمنستان

طرح نو؛ سردبیر

مذاکرات اخیر میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان برای راه‌اندازی یک «کریدور گمرکی ساده‌شده» در گذرگاه مرزی نوردوز – آگاراک، فصل جدیدی از همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی منطقه‌ای را نوید می‌دهد. این طرح که وارد مرحله اجرایی و عملیاتی شده است، پتانسیل دگرگون‌سازی مسیرهای حمل‌ونقل و ترانزیت میان دو کشور را دارد و می‌تواند سرعت جابه‌جایی کالاها را به شکل چشمگیری افزایش دهد. هدف اصلی این کریدور، تسهیل تجارت فرامرزی از طریق کاهش موانع بوروکراتیک و استفاده از فناوری‌های نوین در فرآیندهای گمرکی است.

تسهیل عبور و مرور کالاها از مرز نوردوز – آگاراک صرفاً به نفع دو کشور امضاکننده نیست، بلکه نقشی کلیدی در تسهیل تجارت بین‌المللی در محور شمال–جنوب ایفا می‌کند و جایگاه ایران به عنوان یک قطب ترانزیتی منطقه‌ای را تثبیت خواهد کرد.

جزئیات طرح کریدور گمرکی ساده‌شده

کریدور گمرکی ساده‌شده بر پایه چند ستون اصلی بنا شده است که اجرای موفقیت‌آمیز آن‌ها منجر به کاهش چشمگیر زمان توقف کامیون‌ها و افزایش کارایی رویه‌های گمرکی خواهد شد.

محور اصلی این طرح، اجرای کامل سیستم تبادل سریع و خودکار داده‌های الکترونیکی میان سامانه‌های گمرکی ایران و ارمنستان است. این اقدام، امکان ارسال، دریافت و اعتبارسنجی اطلاعات محموله‌ها پیش از رسیدن به مرز را فراهم می‌آورد.

در این روش با دسترسی پیشین به اطلاعات دقیق اظهارنامه‌ها و مدارک، ریسک ارزیابی و بازرسی فیزیکی کاهش می‌یابد، مگر در موارد استثنایی و بر اساس تحلیل ریسک. رانندگان و شرکت‌های حمل‌ونقل می‌توانند پیش از رسیدن به نقطه کنترل مرزی، اظهارنامه‌های خود را تکمیل کنند. این امر زمان انتظار در مرز را از ساعت‌ها به دقایق تبدیل خواهد کرد.

این کریدور بر مبنای اصل اعتماد متقابل و شناسایی ریسک عمل می‌کند. تمرکز بر شفاف‌سازی رویه‌ها و حذف مراحل زائد اداری، ستون دیگر این طرح است. بر اساس توافقات صورت‌گرفته، اعتبار مجوزهای گمرکی و اسناد حمل‌ونقل صادرشده توسط یکی از طرفین در مرز طرف دیگر به رسمیت شناخته شده و فرآیند اعتبارسنجی مجدد به حداقل می‌رسد.

یکی از مهم‌ترین اجزای این طرح، استفاده از برنامه فعالان اقتصادی مجاز است. شرکت‌هایی که سابقه خوش‌حسابی و رعایت استانداردهای ایمنی و امنیتی بالایی دارند، به عنوان AEO شناسایی می‌شوند. محموله‌های این شرکت‌ها از مسیر سبز عبور خواهند کرد. این مکانیسم، تضمین می‌کند که بیشترین زمان صرف بازرسی محموله‌های پرریسک شود و محموله‌های شرکت‌های مورد تأیید با کمترین تأخیر عبور کنند.

اهمیت استراتژیک مرز نوردوز–آگاراک

پیشرفت مذاکرات و توافقات اخیر

نشست اخیر در ایروان میان هیئت ایرانی به سرپرستی معاون وزیر اقتصاد و رئیس کل گمرک ایران و ادوارد هاکوپیان، رئیس کمیته درآمد دولتی ارمنستان، نشان‌دهنده جدیت دو طرف برای اجرای عملیاتی این پروژه بود. در این دیدار، تأکید اصلی بر راه‌اندازی سامانه تبادل داده‌های اولیه میان دو گمرک بود. این اقدام، گامی عملی در جهت همگام‌سازی سیستم‌های فناوری اطلاعاتی دو طرف تلقی می‌شود و زیربنای فنی برای اجرای کامل کریدور ساده‌شده را فراهم می‌کند. توافق در این زمینه، نقطه عطفی در تسهیل حمل‌ونقل جاده‌ای در محور ترانزیتی شمال–جنوب به شمار می‌رود.

مرز نوردوز (ایران) در استان آذربایجان شرقی و آگاراک (ارمنستان) در استان سیونیک، همواره یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های زمینی دو کشور بوده است. این گذرگاه فراتر از تجارت دوجانبه، یک حلقه حیاتی در کریدورهای منطقه‌ای بزرگ‌تر است. نوردوز–آگاراک نقش مهمی در اتصال هند، کشورهای خلیج فارس و جنوب آسیا به روسیه و اروپای شرقی از طریق ایران و ارمنستان ایفا می‌کند. این مسیر به عنوان یک جایگزین برای مسیرهای دریایی طولانی‌تر، فرصتی برای دسترسی سریع‌تر به بازارهای اروپا فراهم می‌آورد.

از طرفی توسعه زیرساخت‌ها و تسهیل فرآیندهای گمرکی در نوردوز، به ایران امکان می‌دهد تا سهم خود را در بازار ترانزیت قفقاز در برابر رقبای منطقه‌ای –نظیر مسیرهای جایگزین پیشنهادی در چارچوب تحولات ژئوپلیتیکی اخیر – افزایش دهد. افزایش سرعت و کاهش هزینه در این مسیر، مزیت رقابتی برای بخش حمل‌ونقل ایران ایجاد می‌کند.

تحلیل آمارهای تجاری و تأثیرات اقتصادی

هم‌راستا با پیشبرد مذاکرات، داده‌های رسمی نشان‌دهنده رشد ملموس در حجم مبادلات تجاری دو کشور است که نشان می‌دهد زمینه اقتصادی برای بهره‌برداری کامل از کریدور تسهیل شده وجود دارد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده توسط سرویس آمارهای ملی ارمنستان (آرم‌استات) برای ۹ ماهه نخست سال ۲۰۲۵ حجم تجارت میان دو کشور ۵۵۵ میلون دلار برآورد شده که نسبت به سال گذشته بیش از ۶درصد رشد را نشان می‌دهد. این رشد، هرچند مثبت است، اما کارشناسان معتقدند که پتانسیل واقعی تجارت دو کشور بسیار بالاتر از این رقم است. اجرای کریدور گمرکی ساده‌شده می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور، این روند رشد را شتاب بخشد و حجم مبادلات را به طور پایدار افزایش دهد.

کارشناسان اقتصادی و حمل‌ونقل بر این باورند که موفقیت این پروژه تأثیرات چندوجهی خواهد داشت. از جمله؛

مزایای اقتصادی مستقیم: صرفه‌جویی در هزینه‌های سوخت، بیمه و دستمزد رانندگان به دلیل کاهش زمان توقف در مرز. همچنین رویه‌های شفاف و سریع که ریسک سرمایه‌گذاری در مسیرهای تجاری مشترک را کاهش داده و انگیزه بخش خصوصی برای افزایش سهم صادرات و واردات از این مسیر را تقویت می‌کند.

نقش در معادلات قفقاز جنوبی: تحولات اخیر در منطقه قفقاز، به‌ویژه مطرح شدن کریدورهای جایگزین مانند «کریدور زنگزور» با حضور بازیگران بین‌المللی (از جمله آمریکا)، اهمیت کریدور نوردوز–آگاراک را دوچندان کرده است. عملیاتی شدن سریع این کریدور ساده‌شده، تضمین می‌کند که ایران کنترل خود را بر مسیری پایدار و تحت مدیریت مشترک با ارمنستان حفظ کند. این اقدام در برابر هرگونه تلاش برای انزوای ترانزیتی ایران در منطقه، یک سد دفاعی محسوب می‌شود.

اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه نشان می‌دهد که ایران همچنان یک شریک استراتژیک و قابل اتکا در توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای در قفقاز جنوبی است و می‌تواند در معادلات جدید منطقه حضوری پررنگ داشته باشد.

افق آینده کریدور نوردوز–آگاراک

کریدور گمرکی ساده‌شده در مرز نوردوز–آگاراک، فراتر از یک توافق فنی میان دو کشور است؛ این یک پروژه زیربنایی برای تقویت امنیت اقتصادی و اتصال منطقه‌ای ایران به اروپای شرقی و اوراسیا است. اگر اقدامات لازم برای عملیاتی‌سازی کامل این سامانه تبادل داده و اجرای رویه‌های AEO به‌سرعت انجام پذیرد، این کریدور می‌تواند به مسیر ترانزیتی پیشرو و کارآمد در کل منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شود و نقش حیاتی ایران را در تأمین زیرساخت‌های حمل‌ونقل و تجارت بین‌المللی تثبیت کند.

گزارش

آب به‌دست مردم؛ از بنه‌های سنتی تا حکمرانی اجتماعی آب؛

روایت آذربایجان شرقی از مدیریت مشارکتی آب

طرح‌نو؛ زهرا ژرفی مهر

بحران آب در ایران، به‌ویژه در مناطق کشاورزی، تنها یک مسئله فنی یا اقلیمی نیست؛ این بحران، شبکه‌ای از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و نهادی را در هم تنیده است و مستقیماً بر امنیت معیشت، همبستگی اجتماعی و سرمایه اعتماد میان مردم و نهادهای رسمی اثر می‌گذارد. در چنین شرایطی، شکل‌گیری و گسترش الگوهای مشارکتی، به‌ویژه در سطح بهره‌برداران، معنایی فراتر از مدیریت منابع دارد؛ این روند، بازسازی رابطه مردم با دولت و احیای حس مالکیت جمعی نسبت به آب است.

در آذربایجان شرقی، مدل «تعاونی‌های آب‌بران» به‌عنوان یک تجربه‌ی بومی و پویا از حکمرانی اجتماعی آب، توانسته است پلی میان بهره‌برداران محلی، نهادهای دولتی و سیاست‌های کلان مدیریت پایدار بسازد. این مدل، که برای نخستین‌بار در همین استان و با همکاری شرکت آب منطقه‌ای و اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی شکل گرفت، امروز به الگویی فرااستانی تبدیل شده و در اسناد بالادستی و قوانین بودجه سنواتی نیز جای خود را باز کرده است.

در گفت‌وگوهای پیش‌رو، فرهاد پاک‌نیا (مدیر مشارکت‌های مردمی شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی)، منصور نیکخو (مدیر تعاون استان آذربایجان شرقی)، محمد کریم‌پوراصل (رئیس اداره تحقیقات، آموزش و ترویج اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی) و کشاورزان بهره‌بردار از تجربه‌ی زیسته خود در مدیریت آب، چالش‌های روزمره و چشم‌اندازهای پیش رو سخن گفته‌اند.

این مجموعه روایت‌ها، خواننده را از لایه‌های ساختاری بحران آب به عمق میدان تصمیم‌سازی و مشارکت مردمی می‌برد؛ جایی که اصلاح شیوه‌ی توزیع آب، با اصلاح نگرش نهادی و بازسازی اعتماد اجتماعی درهم‌تنیده‌اند. نتیجه‌ی این هم‌زمانی، تنها کارآمدی در مصرف منابع نیست، بلکه تقویت سرمایه اجتماعی و تثبیت الگویی بومی از مدیریت پایدار آب است؛ الگویی که می‌تواند مسیر آینده‌ی سیاست‌گذاری منابع حیاتی کشور را ترسیم کند الگویی از «آب به‌دست مردم»، که ریشه در بنه‌های سنتی دارد و شاخه در حکمرانی اجتماعی نوین می‌گستراند.

گفت‌وگو با فرهاد پاک‌نیا – مدیر مشارکت‌های مردمی شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی

مدیریت مشارکتی آب، در شمال‌غرب کشور، از یک طرح فنی به تجربه‌ای اجتماعی و اقتصادمحور تبدیل شده است. این بار، گفت‌وگو با «فرهاد پاک‌نیا» پاسخی به این پرسش است که چگونه استان آذربایجان شرقی توانست هم‌زمان سازوکار مشارکت و اعتماد را نهادینه کند. پاک‌نیا که از پایه‌گذاران اولیه تعاونی‌های آب‌بران از سال ۱۳۶۸ در مراغه بوده، اکنون به‌عنوان مدیر مشارکت‌های مردمی شرکت آب منطقه‌ای، صدای میدانی این تحولات است.

از بنه تا تعاونی

پاک‌نیا در آغاز گفت‌وگو خاطره تاریخی شکل‌گیری نخستین تعاونی آب‌بران را روایت می‌کند:«تجربه ما به سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد؛ زمانی که اولین تعاونی‌های آب‌بران در پایاب سد علویان و شبکه صوفی‌چای شهرستان مراغه به ثبت رسیدند. در آن دوران محمل قانونی خاصی وجود نداشت، اما نیاز اجتماعی و پشتیبانی مدیران دلسوز استان، از جمله آقایان کیافر، اسماعیل‌نیا و نیکخو در اداره تعاون، زمینه ایجاد این مدل را فراهم کرد.»

او سپس سیر تاریخی بهره‌برداری آب در ایران را چنین ترسیم می‌کند:«نظام‌های بهره‌برداری آب همواره مبتنی بر یاری‌گری‌های جمعی بوده‌اند. پیش از دهه ۴۲، تشکل‌های سنتی در قالب بنه، جوباشی و دهباشی شکل می‌گرفتند و محصول آن قنات‌ها بودند. بعد از سال ۴۲ با اصلاحات ارضی، تشکل‌های بالا به پایین جایگزین این مدل‌های مردمی شدند، اما پیوست اجتماعی نداشتند. پس از انقلاب، با تصویب قانون بخش تعاون، تعاونی‌های آب‌بران به‌عنوان شکل بومی، نقش اجتماعی و حقوقی جدیدی پیدا کردند.»

از پایاب علویان تا مدل ملی

پاک‌نیا دستاورد این مسیر را چنین توضیح می‌دهد:«از ۱۳۶۸ تاکنون بیش از ۳۰۰ تعاونی آب‌بران در استان تشکیل شده و ۵۶ طرح مشارکتی اجرا شده است. ۳۷ پروژه به بیش از ۲۱۱ تعاونی واگذار شده و مدیریت کامل نگهداری و بهره‌برداری آن‌ها در اختیار مردم قرار گرفته است. اگر این مسئولیت‌ها بر عهده دولت بود، امکان تحقق چنین گستره‌ای از خدمات وجود نداشت.»

او از مدیران هم‌نسل و همکاران خود نام می‌برد و تأکید می‌کند:«بخش تعاون، همواره یار و یاور ما بوده است. از سال‌های نخست تا امروز، منصورنیکخو مدیر تعاون استان آذربایجان شرقی یکی از ستون‌های تداوم و پایداری این مدل است.»

مدل‌های مالی و سرمایه‌گذاری؛ از PPP تا BOT

در ادامه گفت‌وگو، پاک‌نیا از مرحله دوم تحول در همکاری با تعاونی‌ها سخن می‌گوید:«با کاهش منابع دولتی، برای تکمیل شبکه‌های نیمه‌تمام، از ظرفیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی استفاده کردیم. در استان آذربایجان شرقی، شبکه‌های سهند (هشترود)، آیدوغموش (میانه) و قلعه‌چای (عجب‌شیر) با مدل مالی PPP فعال شدند؛ مشارکت هفتاد درصد دولت و سی درصد بخش غیردولتی ایجاد شد. امروز پیشرفت فیزیکی این طرح‌ها بالای پنجاه درصد است و مهاجرت معکوس، اشتغال پایدار و افزایش راندمان را در مناطق روستایی به دنبال داشته است.»

پاک‌نیا مدل دوم را چنین تشریح می‌کند:«در پروژه‌های BOT، کشاورزان زمین‌های خود را برای چهار سال به سرمایه‌گذار اجاره دادند و در مقابل، هر سال معادل یک تن گندم به‌عنوان اجاره دریافت کردند. فرزندان همان کشاورزان نیز در پروژه‌ها مشغول کار شدند و همین امر سبب انتقال دانش فنی و شکل‌گیری اعتماد شد. این شیوه هم اشتغال خانوادگی را گسترش داد و هم بهره‌وری منابع را بالا برد.»

نقشه راه مشارکت و کمیته‌های راهبری شهرستانی

به گفته پاک‌نیا، موفقیت این مدل بدون هماهنگی نهادی ممکن نبود: «ما توانستیم با همراهی سازمان آب، جهاد کشاورزی و اداره تعاون، نقشه راهی برای تبدیل بخشی‌نگری به خرد جمعی تنظیم کنیم. طبق این نقشه راه، کمیته راهبری در هر شهرستان، با مسئولیت فرماندار و عضویت ارگان‌های ذی‌نفع تشکیل شده است. نقش دولت در این ساختار "مشاور و امین" و نه متصدی است.»

مسئولیت اجتماعی و کاهش اختلافات محلی

او در ادامه بر جنبه اجتماعی مدل آب‌بران تأکید می‌کند:«در شمال‌غرب سابقه فردگرایی بالا بود، اما با تعاونی‌ها، روح همگرایی جایگزین آن شد. امروز جلسات آموزشی و نشست‌های مستمر میان مدیران تعاونی‌ها، جهاد کشاورزی و شرکت آب منطقه‌ای، به شکل مستمر برگزار می‌شود و اختلافات محلی تقریباً از بین رفته است. این مشارکت واقعی، نه صوری، باعث شده تعاونی‌ها هم تصمیم‌گیر و هم ناظر ؛ از مرحله مطالعه تا بهره‌برداری باشند.»

مشاهده‌های میدانی او نیز این واقعیت را تأیید می‌کند: «در ۳۷ پروژه واگذارشده به بیش از ۲۱۱ تعاونی، هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری تماما توسط مردم تأمین شده و راندمان، صرفه‌جویی آب و کیفیت بهره‌برداری افزایش یافته است.»

موفقیت‌های پایلوت کشوری و بازدیدهای ملی

پاک‌نیا با افتخار از بازتاب ملی طرح‌های استان یاد می‌کند:« نمونه‌های موفق مدیریت مشارکتی آب را می‌توان در شبکه‌های سهند، آیدوغموش، قلعه‌چای، صوفی‌چای، ستارخان و مناطق حاشیه رود ارس مشاهده کرد؛ مناطقی که طی سال‌های اخیر با تکیه بر مدل تعاونی‌های آب‌بران توانسته‌اند توزیع عادلانه، شفافیت مالی و مشارکت مردمی را به مرحله اجرا برسانند.»

وی می افزاید: «این دستاورد چنان جایگاهی یافته که هر ماه، با هماهنگی استانداران، فرمانداران و مدیران ارشد مؤسسات و ارگان‌ها، تیم‌های کارشناسی از استان‌های مختلف کشور برای بازدید میدانی، تبادل تجربه و انتقال دانش به آذربایجان شرقی می‌آیند.»

وی ادامه می دهد: «هدف این سفرها، الگوسازی و بومی‌سازی شیوه‌های اجراشده در این استان است؛ الگویی که در سایه مدیریت مشارکتی آب، مبتنی بر همگرایی، هم‌افزایی و همدلی میان ارگان‌های ذی‌مدخل و ذی‌نفعان شکل گرفته است. حضور مسئولان کشوری و استانی در کنار بهره‌برداران، نه‌تنها نشانه‌ای از اهمیت این طرح در سطح ملی است، بلکه به پشتوانه‌ای برای گسترش و تثبیت آن در دیگر استان‌ها تبدیل شده است.»

وی تاکید می کند: «شایان ذکر است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان کشوری نیز بر ضرورت ارتقای نقش‌آفرینی مردمی و استقرار مدیریت مشارکتی آب تأکید دارند؛ به‌گونه‌ای که بر اساس مفاد بند «ت» ماده۴۰ برنامه هفتم توسعه، وزارت نیرو مکلف شده است در چارچوب تکالیف قانونی خود، نسبت به تشکیل و راه‌اندازی تشکل‌ها و انتقال مدیریت بهره‌برداری منابع آب به تعاونی‌های مردمی، با همکاری نزدیک وزارت جهاد کشاورزی اقدام کند.»

وی همچنین ادامه می دهد:« خوشبختانه، آذربایجان شرقی از جمله استان‌های پیشرو در تحقق عملی این بند قانونی بوده و تجربه‌های موفق آن، امروز به‌عنوان الگوی ملی در وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی مورد استناد و الگوبرداری قرار می‌گیرد؛ الگویی که هم‌زمان دولت را سبک‌تر و مردم را توانمندتر ساخته و سازوکار «نهادینه سازی اعتماد اجتماعی» را در عرصه مدیریت منابع آب کشور به نمایش گذاشته است.»

هر بانو، یک سفیر آب

در پایان گفت‌وگو، پاک‌نیا بر نقش خانواده‌ها و زنان در فرهنگ مصرف آب تأکید می‌کند: «خانواده‌ها رکن اصلی مدیریت مصرف‌اند. ما پویش «بانوی آب» را آغاز کرده‌ایم با شعار هر بانو، یک سفیر آب در خانواده؛ هدف این برنامه ترویج فرهنگ صرفه‌جویی در زندگی روزمره از کنترل مصرف هنگام شست‌وشو و تعمیر شیرهای چکه‌کننده تا آموزش الگوی مصرف به کودکان است. بدون همکاری مردم، هیچ سیاستی موفق نخواهد شد. حفظ آب، مسئولیت جمعی همه ماست و مشارکت زنان در این روند، بنیان فرهنگی پایداری آب را تکمیل می‌کند.»

گفت‌وگوی منصور نیکخو – مدیر تعاون استان آذربایجان شرقی

روایت از دید یک مدیر که آب را نه فقط منبع طبیعی بلکه سرمایه اجتماعی می‌داند.

کاهش منابع آب، بخش تعاون را به مرکز تصمیم‌گیری در حوزه توزیع و عدالت میان بهره‌برداران کشانده است. از تأسیس نخستین تعاونی‌های آب‌بران در استان تا گسترش آن در سطح ملی، این سازوکار مشارکتی توانسته نگاه تازه‌ای به مدیریت منابع ایجاد کند. در همین راستا گفت‌وگو کردیم با منصور نیکخو، مدیر تعاون استان آذربایجان شرقی تا از تجربه‌ها و دیدگاه‌های او درباره چالش‌ها و آینده این بخش بشنویم.

تحولات منابع آبی و چالش‌های موجود

مدیر تعاون استان آذربایجان شرقی در پاسخ به پرسش «منابع آبی تحت مدیریت تعاونی در سال جاری چه تغییراتی کرده و بیشترین چالش شما چیست؛ اظهار میدارد: بخش تعاون در حوزه آب، از طریق تشکیل شرکت‌های تعاونی آب‌بران، مسئول احداث شبکه‌های پایاب سدها، ایستگاه‌های پمپاژ و انتقال آب به مزارع است. در چند سال اخیر، مانند سایر نقاط کشور، با کاهش منابع آبی روبه‌رو شده‌ایم که مهم‌ترین چالش کنونی این بخش محسوب می‌شود.

عدالت در توزیع آب بین اعضا

وی در مورد سؤال «در توزیع و نوبت‌بندی آب، چه روش‌هایی برای رعایت عدالت میان بهره‌برداران وجود دارد؟» می گوید: هدف اصلی تعاونی‌های آب‌بران، رعایت عدالت بین اعضاست. تخصیص آب بر اساس میزان اراضی هر عضو و تأیید دستگاه‌های متولی صورت می‌گیرد تا سهم هر کشاورز متناسب با زمین او باشد.

تأثیر کاهش منابع بر اقتصاد و امنیت معیشتی کشاورزان

نیکخو در پاسخ به پرسش «کاهش منابع چه تأثیری بر محصول و امنیت اقتصادی اعضا گذاشته است؟» بیان داشت: کشاورزی بر پایه آب و زمین استوار است. کاهش منابع یا افت کیفیت آب موجب افت محصول، کاهش درآمد کشاورز و در نهایت تهدید امنیت اقتصادی او می‌شود.

نقش تعاونی‌ها در تصمیم‌گیری درباره برداشت یا ذخیره‌سازی آب

وی در مورد سؤال چه میزان تصمیمات مربوط به برداشت یا ذخیره‌سازی آب با مشورت و توافق همه اعضا انجام می‌شود؟ می گوید: تصمیم‌گیری درباره حجم برداشت یا ذخیره آب در اختیار نهادهای رسمی مانند جهاد کشاورزی و شرکت آب منطقه‌ای است. تعاونی‌های آب‌بران صرفاً مجری توزیع آب تخصیص‌یافته میان اعضا هستند و در فرآیند تصمیم‌گیری کلان نقشی ندارند.

برنامه‌های آموزشی برای مصرف بهینه و جلوگیری از هدررفت آب

نیکخو در پاسخ به سؤال «تعاونی چه اقدام‌هایی برای آموزش اعضا در مصرف بهینه و جلوگیری از هدررفت انجام داده است؟» اظهار میدارد: آموزش اعضا از اهداف اصلی وزارت تعاون است. بسته به نوع فعالیت تعاونی و طبق برنامه‌های آموزشی وزارت، با همکاری دستگاه‌های تخصصی از جمله جهاد کشاورزی، منابع طبیعی و شرکت آب منطقه‌ای، دوره‌های علمی و عملی متعددی برگزار شده تا سطح دانش مدیریتی اعضا افزایش یابد.

اقدامات تعاونی‌های آب‌بران در احیای قنات و تغذیه مصنوعی

وی در مورد پرسش« آیا طرح‌های احیای قنات یا تغذیه مصنوعی با مشارکت داوطلبانه در تعاونی اجرا شده و نتایجش چه بوده؟» می گوید: تعاونی‌های آب‌بران برای نخستین بار در آذربایجان شرقی و با همکاری مستقیم شرکت آب منطقه‌ای و مدیریت مشارکت‌های مردمی طراحی و اجرا شدند. موفقیت این الگو باعث شد این طرح در سطح ملی گسترش یافته و در قوانین بودجه سنواتی نیز مورد توجه قرار گیرد.

اعتماد به سیاست‌های نهادهای رسمی و تجربه تعامل با دولت

در پاسخ به سؤال «میزان اعتماد شما به سیاست‌ها و برنامه‌های شرکت آب منطقه‌ای یا جهاد کشاورزی چقدر است؟» نیکخو بیان داشت: پروژه‌هایی مانند احیای قنات و تغذیه مصنوعی وابسته به اعتبارات دولتی‌اند، در حالی که تعاونی‌ها بر پایه آورده اعضا شکل گرفته‌اند. بنابراین این حوزه در اختیار دولت است و ما تنها مجری سیاست‌های ابلاغ‌شده‌ایم.

نقش نهادهای رسمی در مواقع بحرانی و اختلافات آبی

وی در مورد سؤال« برای حل اختلاف یا بحران کم‌آبی، نقش نهادهای رسمی بیشتر پشتیبان بوده یا مداخله‌گر؟ » اظهار می گوید: برنامه‌ریزی در حوزه آب بر اساس مطالعات و تجربیات طولانی‌مدت دستگاه‌های رسمی انجام می‌شود. جهاد کشاورزی و شرکت آب منطقه‌ای اهداف را تعیین و به بخش غیردولتی ابلاغ می‌کنند. نقش تعاونی‌ها در این میان، اجرای میدانی و هماهنگی بین بهره‌برداران است.

اعتمادسازی میان دولت و کشاورزان

وی در مورد سؤال «چه اقدام‌هایی برای بازسازی اعتماد بین کشاورزان و دولت مؤثرتر است؟» اظهار داشت: موفقیت تعاونی‌های آب‌بران در افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و رشد درآمد موجب اعتماد کشاورزان شده است. حمایت دولت و واگذاری شبکه‌های آبیاری و حتی مدیریت سدها به بخش تعاون، می‌تواند این اعتماد را به مشارکتی پایدار تبدیل کند.

پیام پایانی درباره حفظ آب و مسئولیت اجتماعی

در پایان گفت‌وگو، نیکخو در پاسخ به سؤال «پیام یا توصیه شما به مردم و مسئولان درباره حفظ آب چیست؟» تأکید کرد: آب امانت نسل‌های آینده است و همه باید با درک مسئولیت مشترک، در حفظ و صیانت از این میراث گران‌بها بکوشیم.

گفت‌وگوی محمد کریم پوراصل – رئیس اداره تحقیقات آموزش ترویج اداره کل تعاون کارورفاه آذربایجان شرقی

در کنار نگاه کلان مدیران، تحلیل‌های میدانی اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی، کلید فهم چگونگی اجرای سیاست‌ها و حمایت عملی از تعاونی‌های آب‌بران به‌شمار می‌رود. در این میان، محمد کریم‌پوراصل، رئیس اداره تحقیقات، آموزش و ترویج این اداره‌کل، با رویکردی پژوهشی و تکیه بر تجربه‌های میدانی، نه‌تنها بر اجرای دقیق قوانین و نظارت هوشمند بر عملکرد تعاونی‌ها تأکید دارد، بلکه مدل موفق استان را به‌عنوان الگوی ملی در مدیریت مشارکتی آب معرفی می‌کند. گفت‌وگوی پیش‌رو، مروری بر دیدگاه‌های او درباره سیاست‌گذاری، شفافیت و آینده تعاونی‌های آب‌بران است.

سیاست‌گذاری و نقش اداره تعاون

در پاسخ به سؤال «وظایف اصلی اداره تعاون در قبال تعاونی‌های آب‌بران چیست؟» رئیس اداره تحقیقات آموزش ترویج اداره کل تعاون کارورفاه آذربایجان شرقی؛اظهار داشت: وظایف اداره شامل اجرای قوانین، نظارت بر فعالیت‌ها، جذب حمایت‌های دولتی، هماهنگی در دریافت تسهیلات، و همچنین پشتیبانی آموزشی، فنی و تحقیقاتی از تعاونی‌هاست. اولویت حمایتی ما، تقویت پشتیبانی مالی و نظارتی پس از واگذاری مدیریت منابع به بهره‌برداران و نیز آموزش حقوقی و ثبتی برای مدیران و اعضا است.

مدل‌های موفق و شفافیت مالی

وی در مورد سؤال آیا نمونه موفقی برای معرفی دارید؟» می گوید: حدود ۲۱۱ تعاونی آب‌بران در استان فعال هستند. مدل آذربایجان شرقی به دلیل موفقیت، به‌عنوان مدیریت دانش در کشور معرفی شده است. شفافیت مالی، اصل بنیادین این تعاونی‌هاست؛ برگزاری مجامع عمومی، تصویب بودجه توسط اعضا و ارائه گزارش‌های هزینه‌کرد، عامل مهمی در تقویت اعتماد و همکاری شده است.

جایگاه حقوقی تعاونی‌های آب‌بران

در پاسخ به پرسش «چگونه این تعاونی‌ها وارد ساختار رسمی مدیریت آب شدند؟ »کریم‌پور اصل بیان میدارد:

تعاونی‌های آب‌بران بر اساس تفاهم‌نامه‌ای میان اداره‌کل تعاون و شرکت آب منطقه‌ای تشکیل شدند. این تفاهم‌نامه جایگاه حقوقی رسمی برای مدیریت آب به آنها بخشید.

آموزش‌های فنی، حقوقی و مدیریتی

وی در مورد سؤال چه برنامه‌های آموزشی اجرا شده است؟ اظهار میدارد: آموزش‌های فنی با حضور کارشناسان شرکت آب منطقه‌ای و آموزش‌های حقوقی و مدیریتی توسط اداره‌کل تعاون برگزار شده است. امید داریم در آینده، همایش ملی تعاونی‌های آب‌بران برگزار شود.

راهکارهای افزایش مشارکت داوطلبانه

کریم‌پور می گوید: افزایش مشارکت نیازمند بازدید میدانی، رفع مشکلات روستاییان و برگزاری جلسات توجیهی است تا همگرایی بین اعضا تقویت شود.

اقدامات فوری برای تقویت تعاونی‌ها

وی در پاسخ به سؤال اولویت‌های فوری برای تقویت تعاونی‌ها چیست؟ توضیح میدهد: تأمین سرمایه اولیه و سرمایه در گردش، افزایش تعاملات بین اعضا و دستگاه‌های اجرایی، و یکپارچه‌سازی اراضی از اولویت‌های فوری است.

اصلاحات قانونی و ساختار تعامل با دستگاه‌های آب

رئیس اداره تحقیقات آموزش ترویج اداره کل تعاون کارورفاه آذربایجان شرقی؛ می گوید: حذف انحصار برخی تشکل‌ها و ایجاد شفافیت در وصول آب‌بها، به تقویت تعاونی‌ها کمک می‌کند. همچنین لازم است ارتباطی ساختاریافته و منظم میان تعاونی‌های آب‌بران و دستگاه‌های متولی آب برقرار شود تا همگرایی افزایش یابد.

تجربه کشاورزان از مدیریت مشارکتی آب(گفتگو با سه کشاورز)

فراتر از برنامه‌ها و سیاست‌های مدیران، آنچه موفقیت یا شکست یک تعاونی را رقم می‌زند، تجربه عملی کشاورزانی است که در خط مقدم کار با آب و زمین ایستاده‌اند. در این گفت‌وگو، با سه کشاورز علی‌اصغر مومنی، سعید خرم و خانم رسولی از تغییرات عینی در زندگی و کار خود پس از شکل‌گیری این مدل مدیریت مشارکتی سخن گفتند؛ روایت‌هایی که از کاهش تنش‌های محلی تا حضور پررنگ زنان در مدیریت آب را پوشش می‌دهد.

عدالت در نوبت‌بندی و کاهش اختلاف‌ها – روایت علی‌اصغر مومنی

علی‌اصغر مومنی می گوید: قبل از تشکیل تعاونی، هر کشاورز آب خود را جداگانه می‌دید و در عمل کسی پاسخگو نبود. نوبت‌بندی مشخصی وجود نداشت و همین باعث مشاجره‌های فراوان بین همسایه‌ها می‌شد. اما اکنون، با سیستم نوبت‌دهی متعهدانه، آب به موقع به هر نفر می‌رسد. این تغییر، در کنار مدیریت جمعی، حس شراکت و همکاری را بین ما تقویت کرده است.

شفافیت مالی و تصمیمات از پایین به بالا – روایت سعید خرم

سعید خرم اظهار میدارد: بزرگ‌ترین مزیت تعاونی برای من این است که حالا از همه چیز، از مصرف آب تا هزینه تعمیرات، خبر دارم. در جلسات مجمع، آمار و هزینه‌ها شفاف ارائه می‌شود و همین باعث شده پرداخت حق‌آبه برای اعضا آسان‌تر شود. تصمیمات مهم هم از پایین به بالا گرفته می‌شود و ما واقعاً حس می‌کنیم بخشی از مدیریت هستیم.

حضور زنان و تغییر نگاه به مصرف – روایت خانم رسولی

خانم رسولی می گوید: وقتی اولین بار زنان وارد هیئت‌مدیره تعاونی شدند، همه نگاه‌ها تغییر کرد. امروز بحث‌ها فقط حول آبیاری نیست، بلکه حفاظت از منابع و صرفه‌جویی هم مطرح است. این مشارکت، سرمایه اجتماعی جدیدی برای روستاهای ما ایجاد کرده و مسئولیت‌پذیری را بیشتر کرده است.

این پاراگراف مخصوص شماست آقای رئیس جمهور

بحران آب در ایران دیگر صرفاً یک مسئله فنی یا زیست‌محیطی نیست؛ این بحران به‌طور مستقیم ستون‌های اقتصاد روستایی، امنیت غذایی و سرمایه اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. تجربه‌ی آذربایجان شرقی در مدل تعاونی‌های آب‌بران نشان می‌دهد که واگذاری مدیریت منابع به بهره‌برداران، همراه با شفافیت مالی، آموزش مستمر و تقویت حکمرانی اجتماعی آب، می‌تواند بهره‌وری را افزایش داده و اعتماد میان مردم و دولت را بازسازی کند. آنچه امروز فوریت دارد، تخصیص هدفمند اعتبار ملی، تسهیل قانونی واگذاری سدها و شبکه‌های آبیاری به تعاونی‌ها و حمایت از طرح‌های نوین آبیاری در چارچوب حکمرانی اجتماعی است. آینده‌ی امنیت آب و غذای ایران در گرو تصمیماتی است که امروز شما اتخاذ می‌کنید؛ تصمیماتی که باید مهندسی اعتماد، حکمرانی اجتماعی و مهندسی زیرساخت را به‌طور هم‌زمان در هم بیامیزد.

تحلیل خبرنگار – آب به‌عنوان سرمایه اجتماعی

سه روایت از مدیران و کشاورزان در آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که «مدیریت مشارکتی آب» صرفاً یک فناوری یا سازوکار اداری نیست؛ بلکه تجربه‌ای اجتماعی، اقتصادی و نهادی است که لایه‌های اعتماد و حکمرانی اجتماعی را در بطن روستا و دولت به هم پیوند می‌دهد. در این مدل، آب نه صرفاً نهاده‌ای برای تولید کشاورزی، بلکه سرمایه‌ای اجتماعی و محور شکل‌گیری نظم جدید حکمرانی محلی است؛ سرمایه‌ای که با مشارکت، شفافیت مالی، و حضور نسل جوان و زنان در هیئت‌مدیره‌های تعاونی، به چرخه تصمیم‌گیری عمومی راه یافته است.

کاهش درگیری‌های محلی، ایجاد نظم در نوبت‌دهی، و تثبیت شفافیت در هزینه‌ها و داده‌ها، نشان می‌دهد که در این تجربه، اعتماد همانند آب، جریان می‌یابد و تقسیم‌پذیر است. این جریان اجتماعی، همچون رگی زنده در بافت حکمرانی محلی جاری شده، هزینه انرژی و اختلاف را کاهش داده و در کنار اثرات محیطی، نشانه‌ای از ترجیح مردم‌محوری بر دولت‌محوری است.

چالش‌های باقی‌مانده بیش از آن‌که فنی باشند، اقتصادی و نهادی‌اند: تأمین سرمایه اولیه، پایداری اعتبارات، و بازتعریف نقش دولت در چارچوب حکمرانی اجتماعی آب به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ مانند واگذاری سدها یا طرح‌های **BOT** و **PPP**. با این حال، موفقیت مدل تعاونی‌های مردمی در آذربایجان شرقی، مسیر این واگذاری‌ها را هموار کرده و امید تازه‌ای در مهندسی مدیریت منابع پدید آورده است.

گفت‌وگوهای فرهاد پاک‌نیا، منصور نیکخو و محمد کریم‌پوراصل تصویری از گذار تاریخی مدیریت آب در ایران ترسیم می‌کنند؛ از نظام‌های یاری‌گری سنتی چون «بنه» و «دهباشی»، تا ساختارهای نوین حکمرانی و فنی تعاونی‌های آب‌بران، و از تصمیم‌گیری دولتی تا خودمدیریتی مردم، گسترش یافته است. در آذربایجان شرقی، این گذار با اتکا به دو بال دانش فنی و سرمایه اجتماعی تحقق یافته و به شکل‌گیری نوعی حکمرانی اجتماعی آب انجامیده است.

آنچه در این استان شکل گرفته، دیگر یک طرح مهندسی صرف نیست؛ بلکه فرم تازه‌ای از مهندسی اعتماد در بستر حکمرانی اجتماعی آب است. الگوی تعاونی‌های آب‌بران، دولت را سبک‌تر و مردم را توانمندتر ساخته و نشان داده است که پایداری منابع حیاتی، از تغییر نرم‌افزار اجتماعی حکمرانی آغاز می‌شود، نه از سخت‌افزار تأسیسات، فراتر رفته است.

این تجربه، نمادی از هم‌افزایی سه سرمایه بنیادین است: آب، اعتماد و دانایی جمعی فرمولی که نه‌تنها آینده‌ی حکمرانی اجتماعی آب در ایران را ترسیم می‌کند، بلکه می‌تواند به الگوی ملی مدیریت پایدار منابع بدل شود.

شعر

دنیاست چو قطره ای و دریا، زهرا

دنیاست چو قطره‌ای و دریا، زهرا
کی فرصت جلوه دارد اینجا زهرا؟
قدرش بوَد امروز نهان چون دیروز
هنگامه کند و لیک، فردا زهرا
خالق چو کتاب خلقت انشا فرمود،
عالم چو الفبا شد و معنا، زهرا
طاها و علی دو بی‌کران دریایند
وآن برزخ مابین دو دریا، زهرا
بر تخت جلال از همه والاتر
بر مسند افتخار، یکتا زهرا
در آل کسا محور شخصیّت‌هاست
مابین اَب و بَعل و بنیها، زهرا
او سرّ خدا و لیلةالقدر نبی‌است
خِیر دو سرا درخت طوبی، زهرا
سرسلسله‌ی نسل پیمبر، کوثر
سرچشمه‌ی نور چشم طاها، زهرا
تنها نه همین مادر سبطین است او
فرمود نبی: اُمّ ابیها، زهرا!
هنگام شفاعت چو رسد روز جزا
کافی‌است برای شیعه، تنها زهرا
حیف است (حسانا) که در آتش سوزد
آن شیعه که ورد اوست: زهرا، زهرا
شاعر:حبیبا... چایچیان (حسان)

در خانهٔ زهرا همه معراج نشین‌اند

دارد دل و دین می برد از شهر شمیمی
افتاده نخ چادر او دست نسیمی
تسبیح دلم پاره شد آن دم که شنیدم
با دست خودش داده اناری به یتیمی
حتی اثر وضعی تسبیح و دعا را
بخشیده به همسایه، چه قران کریمی
در خانه ی زهرا همه معراج نشینند
آنجا که به جز چادر او نیست گلیمی
ای کاش در این بیت بسوزم که شنیدم
می سوخت حریم دل مولا چه حریمی
آتش مزن آتش در و دیوار دلش را
جز فاطمه در قلب علی نیست مقیمی
حالا نکند پنجره را وا بگذاریم
پرپر شود آن لاله زخمی به نسیمی
سید حمیدرضا برقعی

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی عنوان کرد؛

مساجد؛ بهترین پایگاه برای تربیت نسل مهدوی

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

تأکید مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در آیین افتتاح نمایشگاه فرهنگی، هنری و قرآنی «یاس نبوی»

نعمت‌اله پایان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، در آیین افتتاح نمایشگاه فرهنگی، هنری و قرآنی «یاس نبوی» که به همت کانون فرهنگی و هنری خانه امام حسین(ع) و در جوار بقعه متبرکه امامزاده سیدحمزه تبریز برگزار شد، با تأکید بر نقش بنیادین مساجد در تربیت نسل منتظر، اظهار داشت:«مساجد، مکتب تربیت انسان‌های مؤمن و بهترین پایگاه برای پرورش نسل مهدوی هستند. فضای قدسی مسجد، ریشه‌دارترین و مطمئن‌ترین بستر برای تکوین ایمان، بصیرت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان جوانان به شمار می‌رود.»

وی استقرار کانون فرهنگی و هنری خانه امام حسین(ع) در کنار بقعه متبرکه سیدحمزه را اقدامی مبارک و ظرفیت‌آفرین دانست و افزود:

«این پیوند نورانی میان مسجد و بقعه متبرکه می‌تواند در مسیر تربیت نسلی آگاه، منتظر و اهل عمل تأثیرات عمیق و ماندگاری بر جای بگذارد. بی‌تردید، تحقق جامعه مهدوی بدون بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی مساجد امکان‌پذیر نیست.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی با اشاره به شرایط حساس جهان اسلام خاطرنشان کرد:«امروز مرزبندی حق و باطل در صحنه‌های سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای بیش از هر زمان آشکار است. جنایات جاری در غزه در برابر مقاومت مؤمنانه مردم فلسطین، جلوه‌ای روشن از این رویارویی تاریخی است.»

پایان ادامه داد: «ما در کشوری زندگی می‌کنیم که خاستگاه تشیع است و افتخار پرچمداری آن با مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) است. این جایگاه، مسئولیت ما را در گسترش فرهنگ انتظار و تربیت نسل مهدوی دوچندان می‌کند.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر نقش محوری کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد گفت: «این کانون‌ها باید با برنامه‌ریزی‌های هدفمند، تولید محتوای عمیق و بهره‌گیری از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای، فضای مسجد را به کانونی پویا برای گفت‌وگو، اندیشه‌ورزی و ارتقای معرفت دینی جوانان تبدیل کنند. تجربه دوران دفاع مقدس ثابت کرد که بسیاری از قهرمانان آن سال‌ها، پرورش‌یافتگان مسجد و مکتب قرآن و اهل‌بیت(ع) بودند.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در تأکید کرد: «مساجد نباید به ساعات اقامه نماز محدود شوند؛ بلکه باید در تمامی ایام سال، مرکز جوشش حیات فرهنگی، هنری و اجتماعی جامعه ایمانی باشند. پویایی مسجد، تضمین‌کننده پویایی امت اسلامی است.»

یادداشتی به مناسبت سالروز شهادت حضرت زهرا(س)، ریحانهٔ بهشتی؛

شهادت حضرت فاطمه(س)؛ غم بی پایان تاریخ

طرح نو؛ رقیه جنالی

دلم گرفته است به اندازه آسمان ابری که دلش می‌خواهد شبانه‌روز گریه کند. این روزها، روزهای ماتم و عزای دردانه‌ی پیامبر خداست. همه به مظلومیتش گریه می‌کنند. به او که معنای عفت و حیاست. ام‌ابیهاست. زهرای مرضیه است.سرچشمهٔ خوبیهاست. معنای عشق و محبت است. مادر پهلوشکسته است. نمونهٔ کامل انسانیت و زیور و زینت دنیاست. بانویی است بیحرم؛ اما قبلهی دلهاست...

دلم گرفته است و به وسعت تاریخ غمگینم. در غم شهادت حضرت زهرا(س) که اسطورهٔ استقامت است. کوه در برابر صبوریش سر خم می‌کند. سخاوت، در مقابل دستان مهربانش تعظیم می‌نماید. تقوا و ایمان مفهومش را از نگاه‌های مهربانش می آموزد.. دلم می‌خواهد به اندازهٔ دریاهای عالم به مظلومیت آن همسر پاک و مهربانی که غبار غم سیمای علی مرتضی را میزدود و با دستهای مهربانش سیمای نورانی پیامبر اسلام (ص) را نوازش می‌کرد، گریه کنم. به زهرایی که درخشانتر از آفتاب و پاکتر از آب است. سفینه نجات و آرامش و ساحل خوشبختی است. آنانکه به دختر پیامبر خدا توسل می‌کنند، به ساحل آرامش وخوشبختی می‌رسند و سعادتمند می‌شوند. چرا که برای همسرش دلسوزترین همسر و برای فرزندانش مهربانترین مادر دنیاست. پاکدامن و صمیمی است به آنکه مهربان و گره‌گشاست.الگویی است بی نظیر برای باوان عالم. شب با نمازهایش آشناست. سلالهٔ پیامبر خداست. خشنودیاش خشنودی پیامبر و خداست. به صبوریش قسم که دلم لبریز از عشق زهرا(س) و خاندان اوست.

نام فاطمه (س)را که بر زبان جاری می‌کنم، دلم سرشار از نور عنایتش می‌شود. چشمانم بارانی می‌شود و برای شهادت دختر رسول خدا اشک ماتم می‌ریزم.

از خدایی که او را کوثر و ریحانه آفرید، عاجزانه می‌خواهم تا ما را از عنایتش در دنیا و شفاعتش در آخرت بهره‌مند کند. از آنکه او را مهربان و باعفت آفرید، می‌خواهم تا در فرج فرزند بزرگوارش تعجیل کند تا انتقام پهلوهای شکسته‌اش را از ظالمین روزگار بگیرد. از آنکه او را مادر زینب، کلثوم و حسنین آفرید، میخواهم تا زندگی ما را با عشق زهرا و خاندانش آذین ببندد. از آنکه او را زهرا و فاطمه آفرید، می‌خواهم به احترام دستهای پینه‌بسته‌اش، دستمان را بگیرد و از پرتگاه‌های زندگی نجاتمان دهد.

همواره سربلند و سرافرازمان کند. از آنکه او را صدیقه طاهره آفرید، می‌خواهم تا در شبهای تاریک و تنهایی چون مهتابی روشن مسیر زندگیمان را نورانی و روشن نماید. نیاز دلمان را صمیمانه پاسخ بدهد، دست توسلمان را به گرمی بگیرد. به احترام آبرویش ما را از بی‌آبرویی درامان نگه دارد. کمکمان کند تا لحظه‌ای از یاد خدا غافل نشویم. از یاد خدا، از یاد خدای فاطمه (س)؛ خدایی که او را زکیه و زهرا آفرید.

یا فاطمه زهرا(س) دستهای مهربانت، که در هر حرکتش عالم را به محبت فرا می‌خواند، در دلهایمان زندگانی دارد. ای بانوی صبر و حیا؛ درخت صبر تو در دلهای ما ریشه دوانده است. صدای شکسته‌ات، فریاد بیصدای حقیقت بود و هر قطره اشک تو، در دل تاریخ حک شده است و یاد تو همچون یک وعده صادقانه در دلهای مؤمنان روشن مانده است.

یاد تو در دل ما همیشه جاری است. امروز نه تنها در فراق تو اشک ماتم می ریزیم، بلکه به یاد آن لحظه‌های سخت، با تمام وجود دعا می‌کنیم که دلهای ما نیز همچون تو، پر از صبر، شجاعت، و ایمانی راسخ باشد.

ای کوثر و مرضیه؛ تو نه تنها یک الگو برای ما هستی، بلکه خود حقیقت زندهای که هر روز در تکتک لحظات زندگیمان در جستوجوی نور و حقیقت هستیم. در سوگ تو، قلبهایمان به اندازه‌ای بزرگ می‌شود که در آن هیچ‌چیز جز محبت و ارادت به تو جا نمی‌شود. ای مادر حقیقت، ای معلم بزرگ، ای بانوی بی همتا، روح تو در دلهای ما جاودانه است

روایت

گردنبند با برکت حضرت زهرا(س)

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

جابربن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی پیامبراسلام پس از نماز عصر با اصحاب و یاران نشسته بودند که پیرمردی با لباس های مندرس و در کمال ناتوانی که نشان می‌داد از راه دوری با گرسنگی آمده وارد شد و گفت: ای رسول خدا! من گرسنه ام، لباس مناسبی ندارم، پولی هم ندارم و مقروض هستم. کمکم کنید.

پیامبر به بلال فرمودند: که این مرد را به خانه فاطمه ببر و به دخترم بگو که پدرت او را فرستاده است. بلال آمد و داستان را برای حضرت زهرا تعریف کرد. حضرت فاطمه (س) گردنبند خود را که هدیه بود باز کردند و به بلال دادند و فرمودند: که این گردنبند را به پدرم بده تا مشکل را حل کنند. بلال بازگشت و امانتی را تحویل پیامبر داد. رسول خدا(ص) فرمودند: هر کس این گردنبند را بخرد، بهشت را برای او تضمین می کنم.

عمار یاسر آن را خرید و مرد سائل(فقیر) را به خانه خود برد. به او لباس و غذا داد و دو برابر میزان قرض به او پول داد. سپس عمار غلام خود را صدا زد و گفت: این گردنبند را به خانه فاطمه زهرا می بری و می گویی که هدیه است. تو را نیز به فاطمه بخشیدم. غلام، گردنبند را به حضرت داد و گفت: عمار مرا نیز به شما بخشیده است.

حضرت فاطمه (س) نیز غلام را در راه رضای خدا آزاد کردند. غلام گفت: چه گردنبند با برکتی! گرسنه‌ای را سیر و مستمندی را بی‌نیاز و برهنه‌ای را مالک لباس و غلامی را آزاد کرد و دوباره نزد صاحبش بازگشت.

*****

بهترین الگو برای بانوان

عبدالله بن عباس و دیگر راویان حکایت کنند: هنگامی که زمان رحلت یگانه دخت نبوّت ، همسر ولایت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نزدیک شد، اءسماء بنت عمیس را طلب کرد. و چون اسماء نزد ایشان حضور یافت ، به او فرمود: ای اسماء! وقت جدائی و فراق من فرا رسیده است ، می خواهم بعد از آن که فوت نمودم ، جسد مرا به وسیله ای بپوشانی ، تا آن که هنگام تشییع جنازه ام و حجم بدنم مورد دید افراد نامحرم قرار نگیرد.

اسماء با شنیدن این کلمات بسیار اندوهگین و محزون گردید و چون حضرت زهراء مرضیّه علیها السلام ، بر خواسته و پیشنهاد خود اصرار ورزید، اسماء اظهار داشت : ای حبیبه خدا! من در حبشه ، تخت هائی را دیده ام که مخصوص حمل و تشییع جنازه زن درست می کرده اند. حضرت زهراء علیها السلام با شنیدن آن خوشحال شد و تقاضا نمود که تابوتی همانند آن را برایش تهیّه نمایند.

وقتی اسماء آن تابوت را تهیّه کرد و نزد ایشان آورد، حضرت آن را مشاهده نمود و فرمود: شما با این تابوت ، جسد مرا از دید افراد و نامحرمان مستور و پنهان خواهید داشت ، خداوند متعال بدن شما را از آتش دوزخ **مستور گرداند**

یک استاد حوزه و دانشگاه تشریح کرد؛

چگونه از زندگی حضرت زهرا(س) الگو بگیریم؟

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

یک استاد حوزه و دانشگاه با تسلیت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، بر لزوم تلاش برای ایجاد شباهت عملی به سیره آن حضرت در زندگی تأکید کرد و گفت: الگوگیری از ایشان به معنای تقلید عینی در تمام مراتب نیست، بلکه باید تا حد توان در مسیر کسب فضایل ایشان گام برداشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی- استاد حوزه و دانشگاه- با تسلیت فرا رسیدن ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، به تبیین چگونگی الگوگیری از سیره عملی آن حضرت پرداخت.

وی با بیان اینکه الگو بودن زندگی حضرت زهرا(س) به این معنا نیست که همه بتوانند عیناً زندگی ایشان را سرمشق قرار دهند، اظهار کرد: بلکه باید سعی کنند تا آنجا که می‌توانند این کار را انجام دهند. برخی مراتب وجود دارد که ظرفیت و قدرت ما اقتضای آن‌ها را ندارد، ولی به این معنا نیست که صرف نظر کنیم.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: اگر نتوانستیم به آخرین مرتبه فضایل برسیم، نباید مأیوس شویم و بگوییم «یا همه یا هیچ». ما باید سعی کنیم تا آنجایی که می‌توانیم شباهت به اهل بیت(ع) خصوصاً حضرت زهرا(س) پیدا کنیم. صرف ادعای الگوگیری کفایت نمی‌کند، مگر اینکه پیش‌شرط‌های آن شامل ایمان، معنویت، علاقه به کمالات معنوی و قرب به خدا را در وجود خود محقق کرده باشیم.

حجت‌الاسلام سعیدی با اشاره به دفاع حضرت زهرا(س) از مقام امیرالمومنین(ع) به عنوان نمونه‌ای از سیره عملی ایشان، خطاب به خانواده‌ها به ویژه زنان گفت: اگر بخواهیم از زهرای مرضیه (س) الگو بگیریم، باید همسرمان را در مقابل چشم دیگران بالا ببریم. توبیخ همسر در مقابل دیگران، نشانه بی‌تقوایی و بی‌ایمانی است. حضرت زهرا(س) پشت سر همسرش مانند کوه ایستاد و از او دفاع کرد. سعی کنید مانند زهرای مرضیه(س) رفتار کرده و پشت همسر خود را بگیرید و آن را خالی نکنید./ ایسنا

پیام مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی به مناسبت فرارسیدن هفته بسیج

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی با صدور پیامی، فرارسیدن هفته بسیج را به بسیجیان و دلدادگان راه ولایت تبریک گفته و نقش برجسته بسیج را در عزت، امنیت و پیشرفت کشور مورد تأکید قرار داد.

نعمت‌اله پایان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در پیامی به مناسبت هفته بسیج، این ایام را به بسیجیان سلحشور، پاسداران عزت ملی و عاشقان راه ولایت تبریک و تهنیت گفت.

متن پیام بدین شرح است:

فرارسیدن هفته بسیج را محضر بسیجیان سلحشور، پاسداران عزت ملی و دلدادگان راه ولایت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

بسیج، در نگاه رهبر حکیم انقلاب اسلامی، «مدرسه تربیت انسان‌های بزرگ» و «کانون جوشش نیروهای مؤمن و کارآمد برای اعتلای ایران» است؛ همان حقیقتی که امروز در قامت اقتدار ملی جلوه‌گر شده و ایران اسلامی را در برابر توفان‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی، استوار و برافراشته نگاه داشته است.

این نهاد مردمی، ثمره ابتکار آن معمار کبیر انقلاب و استمرار آن به برکت راهبری داهیانه مقام معظم رهبری است؛ راهبری‌ای که بسیج را از یک تشکل صرف، به شبکه‌ای تمدنی بدل کرده است؛ شبکه‌ای که در میدان امنیت، پیشرفت علمی، ایستادگی فرهنگی و خدمت اجتماعی، بار سنگین حرکت ملت را بر دوش می‌کشد.

در هر برهه‌ای که امتحان‌های سخت پیش روی ایران قرار گرفته، این روح ولایی و تربیت یافته در مکتب رهبری بوده که بسیجیان را به قله‌های جهاد، بصیرت و حضور مؤثر رسانده و «ما می‌توانیم» را به حقیقتی ملی و نهضتی ماندگار تبدیل کرده است.

با احترام، این ایام مبارک را گرامی می‌دارم و برای بسیجیان عزیز، توفیق در ادامه مسیر نورانی ولایت و سربلندی در خدمت به ایران را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

ایران عزیز، در سایه هدایت رهبری و همّت بسیجیان، همواره سرفراز و مقتدر باد.

فراخوان نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران منتشر شد

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

فراخوان نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران توسط خانه سینما منتشر شد.

خانه سینما در راستای گسترش پژوهش و اندیشه در حوزه هنر سینما و با هدف پاسداشت کوشش‌های مؤلفان، مترجمان و ناشران فعال در زمینه مطالعات سینمایی، نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران را برگزار می‌کند.

این آیین فرهنگی در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ برگزار خواهد شد و برترین آثار منتشرشده در حوزه سینما طی چهار سال گذشته مورد تقدیر قرار می‌گیرند.

محور داوری در این دوره، تمامی کتاب‌های مرتبط با سینما که برای نخستین‌بار از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا پایان سال ۱۴۰۳ در ایران منتشر شده‌اند، در فرآیند داوری شرکت داده می‌شوند.

شرایط شرکت در جایزه

* کتاب‌ها باید دارای شماره شابک (ISBN) معتبر باشند.

* ارسال شش نسخه از هر عنوان کتاب توسط ناشر، نویسنده یا مترجم الزامی است.

* فیلمنامه های چاپ شده، در این جایزه داوری نخواهند شد.

* کتاب‌های غیر فارسی زبان که درباره سینمای ایران در بازه زمانی یادشده نگاشته شده‌اند، می‌توانند در مسابقه شرکت کنند و در صورتی‌که تعداد آن‌ها به حد نصاب برسد، در بخش جداگانه‌ای مورد داوری قرار خواهند گرفت.

جوایز

جوایز نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران در سه بخش اهدا می‌شود.

* بهترین تألیف سینمایی

* بهترین ترجمه سینمایی

* بهترین ناشر فعال در حوزه سینما

همچنین در آیین پایانی این دوره، از یکی از چهره‌های برجسته حوزه ادبیات سینمایی به پاس سهم مؤثر او در اعتلای فرهنگ و هنر ایران تجلیل به عمل خواهد آمد.

مهلت و نحوه ارسال آثار

ناشران، نویسندگان و مترجمان گرامی می‌توانند آثار خود را تا پایان آذرماه ۱۴۰۵، همراه با مشخصات کامل (نام نویسنده یا مترجم، ناشر، سال انتشار و اطلاعات تماس) به همراه نامه ای مبنی بر تقاضای شرکت در نهمین جایزه کتاب سال سینمای ایران، به دبیرخانه جایزه ارسال کنند.

عاشقانه‌های شهید غدیری تبریز

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر– معصومه درخشان

همسر شهید اقتدار «موسی آقاپور» می‌گوید: «به خدا التماس می‌کردم همسرم شهید نشود؛ حتی جانباز هم می‌شد، قبولش می‌کردم.» داستان زندگی کوتاه اما پرمعنای آن‌ها، از عشق، ایمان و دلتنگی‌های بی‌پایان روایت می‌کند؛ از کتاب دعایی که هنوز بوی او را می‌دهد تا شاخه رز خشکی که خاطره هر روزشان را زنده نگه می‌دارد.

یک کتاب دعا و مناجات، عطر دلنواز رُزهای سرخ عاشقی، عکس‌ها و خاطراتی که هرگز کهنه نمی‌شوند تمام یادگاری‌های یک بانوی جوان است که همسر شهید نام‌گرفته است.

وقتی جنگنده‌های رژیم سفاک و کودک کش صهیونیستی بر طبل جنگ کوبیدند و دلاورمردان سبزپوش سپاه در برابر شقی‌ترین دشمنان این آب‌وخاک به خون خود آغشته و بال در بال ملائک آسمانی شدند.

شهید موسی آقاپور هم یکی از همان دلاورمردان سبزپوش در تبریز است که روز شنبه ۲۴ خردادماه به آرزوی دلش رسید.

کتاب دعا و مناجاتش هنوز بوی عطر همسرش را می‌دهد و لای برگ‌های آن یک شاخه رز خشک‌شده خوابیده است یک دوست مشترک واسطه ازدواجشان شد. افسانه خانم را به آقا موسی معرفی کرد.

روز خواستگاری فقط یک معیار برای دختر جوان مهم بود. اینکه آقا داماد انسان خوبی بوده و شغل آبرومندی داشته باشد.

معیارهای او همان معیارهای پدرش بود و وقتی پدر، داماد جوان را به تجربه تأیید کرد و گفت» دخترم خوشبخت باشید آقا موسی جوان محجوب، مومن و متعهدی است» دل دخترش قرص شد و در تاریخ ۱۹ آذرماه سال ۱۳۹۸ پای سفره عقد نشست و با تمام دلش به عشق زندگی‌اش بله گفت.

حالا ۶ سال از آن روز پراز خاطره شیرین و دوست‌داشتنی می‌گذرد و خانم افسانه بَرَکی در یک عصر پائیزی دل می‌دهد برای روایت آن روزها.

وطن محراب عبادت است

«آقا موسی از همان لحظه اول نگاهش پر از معنا بود. در جلسه خواستگاری گفت «مهم‌تر از شغلم، اعتقادم به مسیر زندگیه. من سرباز وطن و نظامی هستم و ممکن است روزی هدف حمله دشمن قرار بگیرم.»

آن شب نه از مهریه زیاد حرفی بود، نه از تجمل؛ تنها از ایمان، صداقت، و وطن بود و در تمام ۶ سال زندگی مشترک به رعایت حجاب تأکید می‌کرد»

او هر لحظه به شهادت فکر می‌کرد ولی باورم نمی‌شود عمر زندگی مشترک ما این قدر کوتاه باشد. همیشه فکر می‌کردم ایمان فقط به آسمان است؛ اما حالا می‌فهمم زمین هم سهمی از ایمان دارد. وطن هم محراب است، اگر با نیت پاک به آن خدمت کنی.

قاب عکس همسرش را به دست می‌گیرد. لبخند می‌زند، لبخندی که طعم صداقت دارد و همسرانه‌هایش را مرور می‌کند» ما دو سال نامزد بودیم، «همسرم گل خریدن را خیلی دوست داشت. در مناسبت‌های مختلف برایم گل هدیه می‌گرفت.»

با لبخندی آرام شاخه گلی به دستم می‌داد، شاید برای دیگران گل فقط یک هدیه ساده بود، اما برای او یادآور عشقی بود که هر روز در نگاهمان تازه می‌شد. عطر وبوی گل‌ها هنوز روحش را می‌نوازد. هر گل یک خاطره بود. عطر رزهای سرخ در سالگرد ازدواجشان، نرگس‌های زردی که در یک روز بارانی به او داد و آن شاخه یاس سفید که برایش آرامش می‌آورد.

« مناجات با خدا » اولین هدیه

از اولین هدیه‌ای که گرفته است می‌پرسم و او با احترام می‌گوید « اولین هدیه‌ام کتاب «مناجات باخدا» بود. در دوران نامزدی یک روز به خانه ما آمد، کتابی دستش بود گفت «این کتاب دعا را در محل کارم داده‌اند به تو هدیه می‌دهم. مرا هم دعا کن.»

حالا این کتاب همدم لحظه‌های من شده است. هربار که ورق می‌زنم آیات نورانی آن را می‌خوانم دلتنگی‌هایم را برایش زمزمه می‌کنم. شهید آقاپور در تعامل با دیگران، بسیار خوش‌رو و مهربان بود. با همه افراد فارغ از سن و جایگاه، با احترام و گشاده‌رویی رفتار می‌کرد. با کودکان، کودکی می‌کرد و با بزرگسالان، رفتار بزرگ‌منشانه داشت.

ادب و احترام او به‌ویژه در قبال پدر و مادرشان مثال‌زدنی بود. همسرم خواهر نداشت و دو برادر بودند به من تأکید می‌کرد برای پدر و مادرم دختری کن. چون آنها دختر ندارند هر کاری که برای پدر و مادر خودت انجام می‌دهی برای آنها هم انجام بده.

به سفر و کوه‌نوردی علاقه داشت. با همکارانش برنامه منظم کوهنوردی داشتند. سفرهای زیارتی را با جان‌ودل دوست داشت. سفرهایمان ساده بود اما پر از لحظه‌های ناب با هم بودن و این همراهی مسیر را زیباتر می‌کرد. گاهی وقت‌ها می‌گویم کاش می‌شد دوباره همان جاده، همان هوا، همان لبخندها را دوباره تجربه کنیم.

لباس پاسداری حرمت دارد

یکی از تأکیدات شهید آقاپور در زندگی نماز اول وقت و قرائت قرآن بود که همسرش می‌گوید» همیشه نمازش اول وقت بود. سوره واقعه را مرتب می‌خواند و تأکید می‌کرد من هم بخوانم. هر روز ۱۰ صفحه قرآن می‌خواند و هر دو ماه یک‌بار ختم قرآن می‌کرد. همیشه از لباس سبز پاسداری با احترام نام می‌برد و می‌گفت احترام این لباس همیشه باید حفظ شود.

تولدهای خاطره انگیز

خاطره تولدهایشان هم بهانه‌ای است برای مرور همسرانه‌هایش و چه غافلگیری شیرینی بود وقتی با یک لبخند محبت‌آمیز زمینی شدن را به همدیگر تبریک گفته و یادآوری می‌کردند عشق یعنی شاد بودن از دیدن شادی همدیگر.

خُب چه هدیه‌ای براشون می‌گرفتید؟ خنده می‌نشیند روی گونه‌هایش» تولدهایمان معمولاً خانوادگی و دونفره بود. بعضاً هم پدر و مادرشان در روز تولد مهمان ما بودند. دو بار ساعت‌مچی، یک‌بار هم لباس ورزشی خریده بودم. گل و کیک تولد هم که همیشه بود. آقا موسی برای تولد پدر و مادرش هم دسته‌گل و کیک می‌گرفت.

سفری که لغو شد

از روزهای منتهی به شهادتش می‌پرسم و او دلش پر می‌کشد به پنجشنبه‌ای که قول و قرار سفر به شهرستان کلیبر را هماهنگ می‌کردند « پنجشنبه آخر شب به همراه خانواده خواهرم برنامه رفتن به کلیبر برای صبح جمعه را هماهنگ کردیم. پدر همسرم صبح جمعه پیامک زد « تهران را بمباران کرده‌اند. شبکه خبر را نگاه کنید» ما برای نماز صبح بیدار شده بودیم. هراسان تلویزیون را باز کردیم. شهادت سردار سلامی را زیرنویس کرده بود.

روز جمعه تا شب از طریق شبکه خبر، اخبار را دنبال می‌کرد. با همکارانش در ارتباط بود و آنها می‌گفتند هنوز چیزی مشخص نیست.

نکنه تولد من یادت بره

شنبه روز عید غدیر بود. صبح رفت نان خرید و صبحانه خوردیم. سربه‌سرش گذاشته و شوخی می‌کردیم. گفتم حالا که وضعیت این‌طوری شده نکنه تولد من یادت بره ها؟ خندید و گفت «هیچ‌وقت تولد تو یادم نمی‌رود، ببین چطوری برات تولد می‌گیرم.»

وسط حرف‌هایمان همکارش زنگ زد. آن روز همسرم شیفت بود و ساعت ۱۰ صبح شیفت او شروع می‌شد. همکارش آدرس محلی را داد که برود آنجا ولی آن محل را نمی‌شناخت. پشت تلفن می‌گفت اینجا محل کار ما نیست. همکارش دوباره آدرس را تکرار کرد و باهم قرار گذاشتند.

اینجا مهدکودک نیست که نروم

وقتی خداحافظی می‌کردیم گفتم نرو نمی‌ترسی؟ گفت نه اینجا مهدکودک نیست که نروم. این لباس مخصوص این روزها است. من این شغل را با همه مسئولیت‌هایش قبول کردم.

با وجود آگاهی کامل از موقعیت حساس پدافندهوایی که به گفته خودش نخستین هدف دشمن است ولی هنگام رفتن در دلش ذره‌ای تردید نداشت.

پرستار بغلم کرد و گفت همسرت شهید شده

در آخرین لحظه دستم را بوسید. گفتم منتظرت می‌مانم، گفت: میام نگران نباش، جای ما امن است. دعایم کن.

تا ساعت چهار عصر ارتباطی نداشتیم. مادر همسرم زنگ زد و گفت مثل‌اینکه آقا موسی زخمی شده. به خدا التماس می‌کردم فقط شهید نشود. هر اتفاقی بیفتد قبولش می‌کنم. سراسیمه خود را به بیمارستان محلاتی رساندم.حال خوبی نداشتم. اتاق‌های بیمارستان را یکی‌یکی نگاه می‌کردم.

گفتند این بیمارستان نیست. یکی از پرستارهای خانم دلش به حالم سوخت مرا بغل کرد و گفت همسرت شهید شده.

اشک مجال حرف زدن نمی دهد.به پهنای صورت اشک می ریزد و بغض سد راه واژه‌ها می‌شود. با گوشه چادرش اشک چشمش را می‌گیرد و خیره می شود به قاب عکس شهید که هنوز در دست دارد « برای من خیلی لحظه سختی بود ولی همسرم به آرزویش رسیده بود. من ماندم و تنهایی و دلتنگی‌هایی که هرگز تمام‌شدنی نیستند.

تکه‌ای از فیلم های دفاع مقدس

با همان بغض ادامه می‌دهد: با خواهرم روز دوشنبه ساعت ۸ شب به حسینیه گلزار شهدای وادی رحمت رفتیم. تعدادی از خانواده‌ها کنار تابوت عزیزان شهیدشان نشسته بودند.

مثل فیلم‌های دفاع مقدس بود. اسم شهدا را روی تابوت‌ها نوشته بودند.

یکی‌یکی اسم شهدا را می‌خواندم تا اینکه سر تابوت همسرم رسیدم. بی‌اختیار گفتم « به آرزویت رسیدی خیالت راحت شد. هربار که پیش شهدای مدافع حرم می‌رفتی از آنها می‌خواستی برایت دعا کنند شهید شوی ببین حالا آمدی کنار دوستان شهیدت.»

او حالا از روزهای بعد از فراق می‌گوید. روزهای فراق، سنگین‌تر از آن چیزی هستند که کلمات بتوانند توصیفش کنند. در روزهای اول شهادت همسر عزیزم هر نمازی که می‌خواندم، با اشک همراه بود.

ظهر بود، مشغول خواندن نماز بودم و اشک چشمانم بی‌امان می‌بارید. بی‌تابی‌ام به اوج رسیده بود. بعد از اتمام نماز، به سجده رفتم، نه برای دعا که برای ریختن تمام غم و اندوهم.

وقتی سرم را از سجده برداشتم، بی‌اختیار نگاهم از پشت پنجره به آسمان افتاد. ابرها در حال حرکت بودند. در یک‌لحظه، تصویر یک دختربچه (مثل نقاشی کودکانه) در میان حرکت ابرها، نقش‌بست. و توجه مرا جلب کرد تصویر دختربچه چرخید و به شکلی باورنکردنی صورت همسرم در میان ابرها پدیدار شد.

نفسم بند آمد. انگار تمام جهان در آن لحظه متوقف شد. تمام وجودم از آرامش و اطمینان پر شد. حس کردم او درست در کنارم ایستاده، همان قدر نزدیک، همان قدر واقعی.

آن لحظه حس کردم او می‌خواهد بگوید که هست تا نگران نباشم که آرام باشم. آن تصویر، یک پیام بود. پیامی از جنس حضور ابدی و من آن روز با ایمانی عمیق‌تر حضور او را در کنارم باور کردم، حتی اگر جسمش دور باشد.

در تقویم زندگی مشترک ما، رفتن به مزار عزیزان، یک میعاد عاشقانه بود. اما این میعاد همیشه با زیارت مزار «شهدای مدافع حرم» ارزشمندتر می‌شد. قبل از آنکه سر مزار اقوام برویم، ابتدا به دیدار رفقای شهیدش می‌رفت، با آنها نجوا می‌کرد و دعا می‌خواند.

عشق همسرم به شهادت، چیزی نبود که یک‌باره پدید آمده باشد. به نظر من آرزوی شهادت یک انتخاب لحظه‌ای نیست. شهید گونه زندگی‌کردن آنها را شهید کرده است. شهید فقط کسی نیست که از جانش گذشته. شهید کسی است که از نفسش، از راحتی و از خواسته‌های خودش به‌خاطر خدا گذشته

چندین بار از آرزویش برای رسیدن به این مقام والا حرف زده بود و با هر کلامش، قلب مرا برای روزهایی آماده می‌کرد که هیچ زنی حتی تصورشان را هم نمی‌خواهد بکند.

می‌گفت، « شهادت آرزوی منه و من هر بار با شنیدن این حرف‌ها بغض می‌کردم و دلم می‌گرفت. چگونه می‌توانستم حتی به نبودن او فکر کنم؟

تو دختر قوی هستی

یک روز مثل همیشه به گلزار شهدا رفتیم. سر مزار شهید والامقام آل هاشم بودیم. بیرون که آمدیم همسرم به گلزار شهدای روبه‌رو که ساماندهی و مسقف سازی می‌کردند نگاه کرد با آن نگاه عمیق و پر معنایش گفت: «اینجا را هم تکمیل می‌کنند معلوم نیست قسمت چه کسی می‌شود امیدوارم اینجا قسمت من هم بشود. ان‌شاءالله جام اینجاست.»

با این حرفش تمام نگرانی و ترسم از نبودنش، جلوی چشمانم رژه رفتند.

با ناراحتی گفتم پس اگر تو آن‌قدر باایمان قلبی دوست داری شهید شوی، اول دعا کن من زودتر از تو به خاک سپرده شوم تا روزهای بعد از تو را نبینم.

طاقت زندگی بی تو را ندارم

یک‌لحظه چشمانش پر از اشک شد.گفتم خُب پس دیدی چقدر سخته؟ پس هر آرزویی که می‌کنی منو در نظر بگیر.

آرام‌تر که شد نگاهی پر از اطمینان به من انداخت و گفت تو دختر قوی‌ای هستی.

من از محکم و قوی‌بودن تو مطمئنم و خدا هم هست. مواظب توست.» و حالا می‌دانم او آن روزها با حرف‌هایش مرا برای تحمل فراقی که می‌دانست روزی حتمی می‌شود آماده می‌کند.

او پرواز کرد و من ماندم با خاطراتی از پرنده‌ای که آرزوی رسیدن به اوج داشت و خدا، چه زیبا آرزویش را برآورده کرد و من هنوز هم به کلامش ایمان دارم "تو دختر قوی‌ای هستی و خدا مواظب توست."

دعایت بر زندگی ام سایه دارد

زندگی همسرانه‌مان کوتاه بود، اما پر از معنا. تو رفتی تا ما بمانیم، و من مانده‌ام تا با هر ورق این مناجات‌نامه با هر عطر آن رُز خشک‌شده، به تو نزدیک‌تر شوم.

شهید من، تو رفته‌ای، به جایی بالاتر از همه دعاها. دعایت هنوز بر زندگی‌ام سایه دارد و این تمام دلخوشی من در روزهای سخت نبودنت است.

گزارش

برشی از ماجرای دلدادگی «ستارخان»

سند دلدادگی تبریزی‌ها به ایران که با خون امضا شد

طرح نو؛ محبوبه غلامی

«تا باشد آذربایجان پیوند ایران است و بس
ایـن گفت با صوتی رسـا فـریاد آذربـایجان
در بـیستون انـقلاب، از شـورِ شـیرین وطن
بس تیشه بر سر کوفته فـــرهاد آذربـایجان»
شهریار

ایران سرزمین مردان دلاور است؛ از آریو برزن، سورنا، رستم، فردوسی، ابن‌مقفع، نظام‌الملک، شمس‌الدین علی و دیگران تا ستارخان به دوره زمانی مشروطه؛ که از وی تا امروز ادامه می‌یابد. از میان این بزرگان به «ستار قره‌داغی» زاده‌شده در روستای قره‌داغ –حاشیه ارس– که امروز به افتخارِ شکوهِ او «سردار کَندی» خوانده می‌شود خواهیم پرداخت.

از کودکی و خانواده او همین اندازه می‌دانیم که پدرش حسن نام داشت و فروشنده‌ی پارچه بود، او سه برادر نیز داشت که اسماعیل بزرگ‌ترین ایشان بود. در روزگاری نزدیک به ۱۵ سالگی ستار و زمانی‌که برادرش اسماعیل به دست حکومتی‌ها کشته شد، پدر درحالی‌که شکسته و غمگین بود همراه با ستار به محله امیرخیز در تبریز آمد تا روزگار در آن‌جا بگذراند. در این‌جا حادثه‌ای پیش می‌آید که باعث ورود ستار به دایره‌ی حکومت می‌شود؛ چنان‌که چون پسران میرزا مصطفی –از دوستانِ خانواده‌ی ستار– یکی از قاطرچیان ولیعهد –مظفرالدین میرزا– را می‌کشند، برای مخفی شدن به ستار سپرده می‌شوند؛ اما در کشاکش سرنوشت چنان می‌شود که آن دو پسر به دست ماموران حکومتی کشته و ستار به دست ماموران دستگیر شده و در زندان نارین قلعه تبریز حبس می‌شود. هرچند که او زمانی بعد از زندان می‌گریزد. وی پس از فرار نخست به عیاری می‌پردازد و درحالی‌که قحطی و کمبود نان در تبریز بیداد می‌کرد انبار محتکران را برای مردم می‌گشود. اما پس‌از زمانی به محله امیرخیز بازگشت. در این هنگام چون وی نگهبان جاده خوی به مرند شد مورد مِهر ولیعهد قرار گرفته و به ردیفِ تفنگ‌چیان پیوست. او که اسب‌سواری و تیراندازی را خوب می‌دانست از این هنگام که در صف تفنگ‌چیان قرار داشت به «ستارخان» شهره شد. در این هنگام که ستارخان در دهه سوم زندگی خود به سر می‌برد از ردیف تفنگ‌چیان بیرون آمده به سواران حاکم خراسان پیوسته، دیگرباره از آن سَوا شده و درحالی‌که بزرگِ محله‌ی امیرخیز و مورد احترام همگان بود به دَشت‌گیری (کارشناسی اسب) پرداخت.

«اسماعیل امیرخیزی» از بزرگ‌مردان فرهنگ در تبریز که عشقی بی‌پایان به هویت ایرانی داشته و در دبیرستان محمدیه تبریز از برای پاس‌داشت زبان پارسی می‌کوشیده، هم‌محلی، یار و مشاور ستارخان شناخته می‌شده است که در نخستین گام‌های موجودیت یافتن «انقلاب مشروطه» ستارخان را با این اندیشه سراسر ایران‌خواه آشنا ساخت. چه‌این‌که تبریز شهری پیشرو در نهضت مشروطیت شناخته می‌شد و تشکیلاتی سازمان یافته با نام «انجمن ایالتی آذربایجان» داشت که «انجمن حقیقت» یکی از شاخه‌های آن شناخته می‌شد؛ و ستارخان به این شاخه پیوست. این فضا بستر آشنایی ستارخان با بزرگان مشروطیت را فراهم آورد؛ از جمله این بزرگان «علی موسیو» نام داشت که پیش‌از برپایی دولت مشروطه، با آگاهی «انجمن غیبی» را به‌وجود آورد که مسلح کردن مشروطه‌خواهان در زمانه‌ی پس‌از به‌توپ‌بسته‌شدن مجلس، از دست‌آوردهای آن است.

زمانی پس‌از آغاز سلطنت مظفرالدین شاه در سال ۱۲۸۴ فرمان مشروطه در مرداد ماه ۱۲۸۵ امضا شد. شاه چند ماه بعد درگذشته و پسر او محمدعلی میرزا که مخالفت کامل با مشروطیت داشت به سلطنت رسیده و در تاریخ ۲ تیر ۱۲۸۷ با همکاری روسیه، مجلس شورای ملی را به توپ بست. دراین‌هنگام باتوجه به آن‌که بسیاری از مشروطه‌خواهان اعدام و یا تبعید شده بودند، نمایندگان تبریزی مجلس از برای پوزش خواستن نزد محمدعلی شاه رفتند، اما سید حسن تقی‌زاده به سراسر کشور تلگراف زده و از مشروطه‌خواهان درخواست یاری کرد.

پس چون این درخواست به گوش ستارخان رسید همراه با یار دیرین خود باقرخان و نیز با سوارانش به‌سوی پایتخت رهسپار شدند. اما هنوز از دروازه‌های شهر دور نشده بودند که شنیدند مشروعه‌خواهان به سرکردگی «رحیم‌خان چَلَبیان‌لو» کفن بر تن به خیابان‌ها ریخته و بر مشروطه‌خواهان شوریده‌اند؛ پس ناگزیر به تبریز بازگشتند. در همین هنگام «اکرام‌السلطان» نیز به دستور محمدعلی شاه، برای ترور مشروطه‌خواهان راهی تبریز شد.

در این زمان علی‌موسیو که انجمن غیبی را رهبری می‌کرد اسلحه‌های فراهم‌آمده‌اش را بین مشروطه‌خواهان پخش کرد؛ و آزادی‌خواهان تبریز توانستند ۱۱ ماه مقاومت کنند. در آن هیاهو، محله‌ی امیرخیز به سبب پای‌مردی ستارخان، سخت‌تر از تمام ایران ایستاده و تبریز و همه‌ی ایران را برپا نگه می‌داشت.

۲۸ دی ۱۲۸۷ پاختیانوف سرکنسول روسیه، برای سخن گفتن با ستارخان رفته و به او پیشنهاد داد که برای در امان ماندن از آزارها پرچم روسیه را بر سر در خانه‌اش بکوبد اما ستارخان پاسخ داد که من می‌خواهم هفت دولت زیر بیرق ایران باشد؛ حالا می‌خواهید من زیر بیرق دولتی دیگر باشم، هرگز چنین نخواهد شد.

پس برنوی خود را در دست گرفت و همراه با نیروهایش در تمام شهر چرخید و بیرق‌های سپیدی را که نشان بی‌طرفی بوده و بر سر در خانه‌ها آویخته بود از بام‌ها به زیر انداخت. پس دولت روس لشکری را به سوی تبریز فرستاد. ستارخان و باقرخان به شاه تلگرافی زدند بر این مبنا که شاه در حکم پدر و رعیت به حکم فرزند هستند پس چون پدر و پسر دعوا کنند همسایه نباید دخالتی داشته باشد؛ و پیام فرمان‌پذیری داده بود تا اجنبی دخالتی در امور کشوری نداشته باشد.

زمان زیادی نگذشت که تهران به دست مشروطه‌خواهان فتح شده و محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناهنده شد. پس در این زمان رحیم‌خان چلبیان‌لو دیگر باره به مشروطه‌خواهان تاخته و این‌بار ستارخان با یاری پیرم‌خان ارمنی او را شکست داد. پس‌ازآن، ستارخان و باقرخان توسط مشروطه‌خواهانی که حالا حکومت را در دست داشتند به تهران فراخوانده شدند، پس ایشان همراه با نیروهای خود به پایتخت رفتند. اما زمانی بعد، باتوجه به قدرت و شهرتی که ستارخان داشت توطئه‌هایی برای از بین بردن این قدرت انجام شده و دستور به خلع سلاح مجاهدان آذربایجان دادند. ستارخان در گام نخست با این دستور مخالفتی نداشت اما چون دانست این دستور فقط به مجاهدان تبریز داده شده و بختیاری‌ها هم‌چنان مسلح هستند آزرده شده و به نیروهایش دستور داد تا هیچ سلاحی را تحویل ندهند. در پی این رویداد، نیروهای دولتی، در باغ اتابک که محل اسکان ستارخان بود با نیروهای وی جنگیدند. در این نبرد به پای ستارخان تیر خورده و او توان جنگ را از دست داد. باقرخان هم تسلیم شد.

یک سال از آن روز می‌گذشت که در ۱۰ دی ۱۲۹۰ درست برابر با روز عاشورا، روس‌ها چوبه‌های داری را در تبریز عَلَم کردند تا آزادی‌خواهان را (البته به بهانه استخدام مورگان شوستر آمریکایی) به دار بکشند. پنجمین تن از میان ۱۲۰۰ تنی که اعدام شدند «حسن» پسر علی‌موسیو بود؛ وی آنگاه که طناب اعدام را بر گردنش انداختند با تمام توانش فریاد زد: «زنده باد ایران، زنده باد مشروطه» و این‌گونه سند دلدادگی تبریزی‌ها به ایران را با خون خود امضا کرد.

سه سال بعد و در ۲۵ آبان ۱۲۹۳ ستارخان به‌دلیل عفونت همان گلوله‌ای که در باغ اتابک به پایش خورده بود در گذشته و در حرم شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

طرح نو؛ جمشید پوراسمعیل نیازی

تحلیل تحولات ۲۰۲۳-۲۰۲۵ و آینده‌پژوهی محور ایران و مقاومت؛

خاورمیانه در بحران و رقابت

بخش سوم....

۴– وضعیت سوریه (۲۸ ژوئن ۲۰۲۵)

در ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵، سقوط رژیم بشار اسد در سوریه، نقطه‌ی عطفی در تحولات خاورمیانه محسوب شد. این رخداد نتیجه‌ی ترکیبی از فشارهای داخلی، عملیات نظامی گسترده گروه‌های مخالف، و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های خارجی از جمله ایالات متحده، ترکیه و برخی کشورهای عربی بود. سقوط اسد به معنای پایان یک رژیم مستقر و آغاز دوره‌ای طولانی از بی‌ثباتی، جنگ داخلی و رقابت‌های نیابتی در این کشور بود.

الف– عوامل داخلی سقوط

۱– حملات گسترده‌ی گروه‌های مخالف: گروه‌های مسلح مخالف رژیم اسد، با حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی قدرت‌های خارجی، طی ماه‌ها و هفته‌های منتهی به ژوئن ۲۰۲۵، توانستند کنترل بسیاری از مناطق شهری و استراتژیک سوریه را به دست گیرند. تحلیلگران نظامی، عملیات این گروه‌ها را نمونه‌ای از جنگ شهری و نامتقارن توصیف کرده‌اند.

۲– ضعف ساختار امنیتی و فرماندهی: با هدف‌گیری و حذف برخی فرماندهان نظامی کلیدی وابسته به اسد، هماهنگی ارتش و نیروهای امنیتی کاهش یافت و خلأ فرماندهی به سقوط سریع‌تر رژیم کمک کرد. منابع میدانی نشان دادند که بخش‌هایی از ارتش به دلیل بی‌اعتمادی یا فشارهای محلی، از دفاع فعال بازماندند.

ب– نقش مداخله خارجی

با تشدید بحران سیاسی و نظامی در سوریه در سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵، بازیگران خارجی نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت نهایی رژیم اسد ایفا کردند. مداخلات آنان، که در ابتدا به شکل فشارهای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی بود، در مراحل پایانی بحران به عملیات مستقیم نظامی، پشتیبانی اطلاعاتی و اقدام‌های سایبری تبدیل شد.

ایالات متحده: ایالات متحده از سال ۲۰۲۳، در چارچوب سیاست مهار نفوذ ایران و روسیه در خاورمیانه، حضور خود در جبهه‌ی سوریه را گسترش داد. منابع نظامی غربی گزارش داده‌اند که از اوایل ۲۰۲۴، واشینگتن با استفاده از پهپادهای شناسایی و جنگنده‌های مستقر در پایگاه‌های اردن و عراق، عملیات‌هایی را برای حمایت از مخالفان در جنوب و شرق سوریه آغاز کرد. به‌گزارش رویترز (ژوئن ۲۰۲۴)، آمریکا علاوه بر تأمین اطلاعات هدف‌یابی برای گروه‌های مخالف، سامانه‌های ارتباطی رمزگذاری‌شده و تسلیحات ضدزره به آن‌ها تحویل داد. همچنین وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که هدف از این اقدامات، «افزایش فشار بر رژیم اسد برای توقف همکاری‌های نظامی با ایران و خروج نیروهای وابسته به تهران» بوده است. در عمل، این سیاست به معنای تضعیف پدافند هوایی سوریه و تسهیل مسیر عملیات‌های هوایی رژیم تروریستی در خاک این کشور بود.

ترکیه: ترکیه سال‌ها پیش از بحران ۲۰۲۵ نیز درگیر پرونده سوریه بود، اما از اواخر ۲۰۲۴، آنکارا رویکردی تهاجمی‌تر در شمال سوریه اتخاذ کرد. نیروهای ترکیه با حمایت لجستیکی از گروه‌های مسلح در استان‌های حلب و ادلب، و اجرای عملیات‌های محدود زمینی در مرزهای شمالی، عملاً کنترل بخش‌هایی از خاک سوریه را در دست گرفتند. براساس گزارش الجزیره (فوریه ۲۰۲۵)، ارتش ترکیه با هدف ایجاد «منطقه‌ی حائل امنیتی» علیه شبه‌نظامیان کُرد و همچنین برای جلوگیری از پیشروی نیروهای وابسته به ایران در شمال سوریه، مواضع ارتش سوریه را چندین بار هدف قرار داد. این درگیری‌ها، توان نظامی دمشق را در جبهه‌ی شمالی به‌طرز چشمگیری کاهش داد و راه سقوط سریع‌تر رژیم را هموار کرد.

کشورهای عربی و غربی: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و برخی دولت‌های اروپایی، با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک و رسانه‌ای، زمینه‌ی مشروعیت‌بخشی به مخالفان سوری را فراهم کردند. در ماه مارس ۲۰۲۵، اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس با صدور بیانیه‌ای مشترک، از «ضرورت تشکیل دولت انتقالی در دمشق بدون بشار اسد» سخن گفتند. این موضع‌گیری، که در فاینشنال تایمز و دویچه‌وله بازتاب یافت، فشار سیاسی مضاعفی بر رژیم سوریه وارد کرد و به‌صورت غیرمستقیم حمایت از مخالفان مسلح را مشروع جلوه داد. در همین دوره، گزارش‌هایی از انتقال تجهیزات ارتباطی، پهپادهای شناسایی سبک و حمایت مالی از برخی گروه‌های سوری توسط قطر و عربستان سعودی منتشر شد.

مجموع این مداخلات، از عملیات اطلاعاتی ایالات متحده گرفته تا پشتیبانی لجستیکی ترکیه و فشار دیپلماتیک کشورهای عربی و غربی، موجب شد رژیم اسد در تابستان ۲۰۲۵ از درون فرسوده شود و سرانجام در ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵ سقوط کند. این سقوط نه‌تنها توازن قدرت در خاورمیانه را دگرگون ساخت، بلکه خلأ سیاسی و امنیتی بزرگی بر جای گذاشت که بستر رقابت مجدد قدرت‌های منطقه‌ای – از ایران و ترکیه گرفته تا رژیم تروریستی و ائتلاف غربی – را فراهم کرد.

ج– پیامدهای سقوط

سقوط رژیم بشار اسد تأثیرات چندبعدی و گسترده‌ای بر سوریه و کل خاورمیانه برجای گذاشت. پیامدها را می‌توان در چهار حوزه‌ی اصلی دسته‌بندی کرد:

بی‌ثباتی داخلی: با فروپاشی ساختار مرکزی قدرت، سوریه وارد دوره‌ای از هرج و مرج شد. گزارش‌های سازمان ملل (UN OCHA, July ۲۰۲۵) حاکی است که درگیری‌ها بین گروه‌های مخالف، شبه‌نظامیان منطقه‌ای و نیروهای باقی‌مانده‌ی ارتش سابق تشدید گردید. نبود یک دولت مرکزی، خلأ امنیتی و افزایش رقابت میان گروه‌های مسلح، زمینه را برای افزایش خشونت‌های شهری و روستایی فراهم کرد. این بی‌ثباتی، عملیات‌های نظامی محور مقاومت و نیابتی‌های وابسته به ایران را با چالش‌های عملیاتی جدید مواجه ساخت و نیازمند بازنگری در استراتژی‌های لجستیکی شد.

پیامدهای منطقه‌ای: سقوط اسد، سوریه را به کانون رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرد. حضور نیروهای وابسته به ایران، ترکیه، روسیه، آمریکا و کشورهای عربی در مناطق مختلف سوریه، موجب تشدید تهدید برای امنیت مرزهای همسایگان شد.(International Crisis Group, June ۲۰۲۵) این وضعیت، تعادل قدرت در خاورمیانه را برهم زد و موجب شد کشورهای همسایه از جمله لبنان، عراق و رژیم تروریستی برای حفاظت از امنیت داخلی خود، سیاست‌های بازدارنده و گاه مداخله‌ی مستقیم اتخاذ کنند. فرصت و تهدید برای محور مقاومت: سقوط رژیم اسد پیامدهای مستقیم برای ایران و محور مقاومت داشت. کاهش دسترسی به پایگاه‌های زمینی و اختلال در شبکه‌های لجستیکی و فرماندهی، موجب شد تهران به سرعت راهبرد جایگزینی نیروها، انتقال فرماندهان و بازسازی شبکه‌های منطقه‌ای خود را پیگیری کند. به گزارش(CSIS, July ۲۰۲۵)، این بازسازی شامل تمرکز بر عملیات نیابتی، افزایش توان موشکی و پهپادی و تمرکززدایی میدانی در سوریه بود تا کاهش حمایت مستقیم زمینی تا حد امکان جبران شود. همزمان، این وضعیت فرصتی برای گروه‌های منطقه‌ای رقیب جهت افزایش نفوذ و ایجاد مراکز قدرت جدید فراهم کرد.

مهاجرت و بحران انسانی: پیامد انسانی سقوط اسد بسیار گسترده بود. بر اساس گزارش(UNHCR, August ۲۰۲۵)، میلیون‌ها نفر به دلیل بی‌ثباتی و درگیری‌های گسترده، یا از کشور خارج شدند و یا در مناطق امن داخلی مستقر گردیدند. این موج آوارگی، بحران‌های امنیتی، اقتصادی و انسانی در کشورهای همسایه و منطقه را تشدید کرد. علاوه بر فشارهای اقتصادی و نیاز به کمک‌های بشردوستانه، این بحران مهاجرت، تهدیدی مستقیم برای ثبات اجتماعی و امنیت ملی کشورهای میزبان محسوب می‌شود.

در مجموع، سقوط رژیم اسد نه تنها خلأ سیاسی و امنیتی بزرگی ایجاد کرد، بلکه معادلات منطقه‌ای را تغییر داد و محور مقاومت را با چالش‌های عملیاتی و لجستیکی مهمی مواجه ساخت. این وضعیت، ترکیبی از فرصت و تهدید برای ایران و متحدانش ایجاد کرد و بر اهمیت بازسازی شبکه‌های فرماندهی و ایجاد توانمندی جایگزین در مناطق کلیدی سوریه تأکید می‌کند.

د– تحلیل ژئوپلیتیکی

سقوط رژیم اسد نه تنها ترکیب قدرت در سوریه را تغییر داد، بلکه تحولات منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار داد:

کاهش نفوذ زمینی ایران و محور مقاومت در منطقه.

افزایش نفوذ نیروهای نیابتی ترکیه و آمریکا در شمال و غرب سوریه.

گسترش رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای کنترل مناطق استراتژیک، بنادر و مسیرهای لجستیکی.

سقوط رژیم اسد در ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵، نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر سوریه بود و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم گسترده‌ای بر امنیت خاورمیانه، محور مقاومت و رقابت قدرت‌ها در منطقه داشت. این رخداد نشان داد که ترکیب فشار داخلی، عملیات نظامی و حمایت‌های خارجی می‌تواند حتی رژیم‌های پایدار را ظرف هفته‌ها یا ماه‌ها به سقوط بکشاند، و فضای بی‌ثباتی منطقه‌ای را تشدید کند.

۵– نقش یمن در تحولات منطقه

یمن طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین نقاط مقاومت در برابر ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. این کشور که از سال ۲۰۱۵ شاهد جنگ داخلی و مداخله‌ی مستقیم ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی بوده، نقش حیاتی در معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه ایفا کرده است.

الف– بازیگران اصلی

حوثی‌ها: حوثی‌ها (انصارالله) به‌عنوان گروه مقاومت مستقر در شمال یمن، توانسته‌اند با ترکیبی از تاکتیک‌های دفاعی و حملات نامتقارن، بخش‌های مهمی از کشور را تحت کنترل خود نگه دارند. این گروه تحت حمایت ایران قرار دارد و از امکانات اطلاعاتی، تسلیحاتی و آموزشی تهران بهره‌مند شده است، هرچند این حمایت عمدتاً غیرمستقیم و از طریق شبکه‌های نیابتی و لجستیکی انجام می‌شود.

ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی: ائتلاف شامل نیروهای زمینی، هوایی و دریایی است که با هدف بازگرداندن دولت مستقر و محدود کردن نفوذ ایران در یمن وارد عمل شده‌اند. این ائتلاف از حمایت لجستیکی، اطلاعاتی و تسلیحاتی کشورهای غربی و برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برخوردار بوده است.

حمایت ایران: ایران در این دوره نقش اطلاعاتی، تسلیحاتی و آموزشی ایفا کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که ایران با تأمین موشک‌های کوتاه و میان‌برد، پهپادهای تهاجمی و آموزش‌های میدانی، توان حوثی‌ها را افزایش داده و آن‌ها را قادر ساخته تا عملیات‌های پیچیده در عمق خاک عربستان و مسیرهای تجاری دریای سرخ انجام دهند.

ب– تاکتیک‌ها و شیوه‌های مقاومت

دفاع در برابر حملات هوایی و زمینی: حوثی‌ها با استفاده از سامانه‌های پدافندی کوتاه‌برد، مین‌گذاری گسترده و شبکه‌های تونل زیرزمینی، توانستند حملات ائتلاف را دفع کنند و مانع تصرف مناطق کلیدی شمال یمن شوند. این استراتژی، نمونه‌ای از جنگ نامتقارن و مقاومت تدافعی موفق در برابر نیروهای مجهز به تکنولوژی پیشرفته است.

حملات پهپادی و موشکی: حوثی‌ها از پهپادها و موشک‌های میان‌برد برای هدف قرار دادن تأسیسات نظامی و اقتصادی عربستان و مسیرهای تجاری دریای سرخ استفاده کردند. نمونه‌های بارز شامل حملات به فرودگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و شناورهای تجاری بوده است. این اقدامات، بازدارندگی استراتژیک ایجاد کرده و موجب افزایش هزینه‌های عملیات برای ائتلاف شده است.

استفاده از جنگ نامتقارن و اطلاعاتی: با بهره‌گیری از شبکه‌های اطلاعاتی محلی، دانش دقیق از جغرافیای مناطق و تاکتیک‌های غافلگیرانه، حوثی‌ها توانسته‌اند فشار متقابل قابل توجهی بر ائتلاف وارد کنند. این روش‌ها، از جمله حملات شبانه، عملیات پهپادی کوچک و جنگ اطلاعاتی، تأثیر روانی و عملیاتی مهمی بر دشمن داشته است.

نقش یمن نشان‌دهنده‌ی موفقیت نسبی یک گروه مقاومت در حفظ نفوذ و کنترل قلمرویی در برابر اجماع گسترده‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی است. این موفقیت، به محور مقاومت اجازه می‌دهد تا با حفظ خطوط ارتباطی و شبکه‌های عملیاتی، همچنان فشار بر دشمنان منطقه‌ای را ادامه دهد و معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه را تحت تأثیر قرار دهد.

ج– اهمیت استراتژیک یمن

یمن نه‌تنها به‌عنوان کانون مقاومت داخلی علیه ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی اهمیت دارد، بلکه به دلیل موقعیت جغرافیایی و نقش محور مقاومت، تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت و سیاست منطقه‌ای برجای گذاشته است.

۱– اهمیت استراتژیک

کنترل مسیرهای دریایی: حضور فعال حوثی‌ها در سواحل دریای سرخ و نزدیکی به تنگه‌ی حیاتی باب‌المندب، امکان تهدید مستقیم خطوط کشتیرانی و مسیرهای انتقال انرژی را فراهم کرده است. این امر حساسیت کشورهای حاشیه خلیج فارس و قدرت‌های جهانی، به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، را افزایش داده و استراتژی‌های امنیت دریایی و لجستیکی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

بازدارندگی منطقه‌ای: موفقیت حوثی‌ها در مقاومت در برابر ائتلاف عربی و حملات محدود به اهداف اقتصادی و نظامی، نشان داد که گروه‌های نیابتی ایران می‌توانند حتی در شرایط فشار گسترده، توان بازدارندگی ایجاد کنند. این توانایی شامل حملات پهپادی و موشکی به اهداف نظامی و اقتصادی دشمنان است.

پیام به محور مقاومت: موفقیت‌های نظامی و حفظ قلمروی کنترل‌شده، موجب افزایش روحیه و اعتبار محور مقاومت در منطقه شد. تهران با بهره‌گیری از این وضعیت، توانسته نفوذ خود را در یمن بدون حضور مستقیم گسترده حفظ کند و خطوط لجستیکی و ارتباطی خود را تقویت نماید.

۲– پیامدهای منطقه‌ای

تشدید رقابت قدرت‌ها: موفقیت حوثی‌ها، کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را مجبور کرد تا راهبرد خود در قبال یمن و دریای سرخ بازنگری کنند. این امر باعث افزایش تمرکز بر عملیات‌های اطلاعاتی، هوایی و دریایی جهت محدودسازی نفوذ ایران شده است.

پیوند با دیگر محورهای مقاومت: یمن بخشی از شبکه‌ی گسترده‌ی محور مقاومت شده و توانایی انجام عملیات همزمان با دیگر جبهه‌ها مانند لبنان، عراق و سوریه را داراست. این پیوندهای عملیاتی، امکان هماهنگی و فشار چندجانبه بر دشمنان منطقه‌ای را فراهم می‌آورد.

بحران انسانی و مهاجرت: جنگ طولانی در یمن منجر به بحران انسانی گسترده و موجی از مهاجرت داخلی و بین‌المللی شد. این بحران نه‌تنها وضعیت امنیت داخلی یمن را پیچیده کرده، بلکه ثبات کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

نقش یمن در تحولات منطقه، نمونه‌ای بارز از مقاومت نیابتی موفق در برابر فشار نظامی مستقیم و ائتلاف‌های منطقه‌ای است. این کشور نه تنها توانسته مسیرهای استراتژیک دریایی را تهدید کند، بلکه با حفظ توان نظامی و بازدارندگی نسبی، به محور مقاومت اجازه داده است حضور خود را در خاورمیانه تثبیت و تقویت کند. یمن نشان داد که حتی در شرایط فشار سنگین، نیروهای نیابتی می‌توانند نقش تعیین‌کننده در سیاست و امنیت منطقه ایفا کنند.

۶– جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم تروریستی

حملات گسترده رژیم تروریستی و آمریکا به ایران: در نیمه‌ی ژوئن ۲۰۲۵، یک مجموعه عملیات نظامی و اطلاعاتی پیچیده و چندلایه آغاز شد که ظرف دوازده روز منطقه‌ی خاورمیانه را به میدان درگیری مستقیم میان ایران، رژیم تروریستی و در مقاطعی ایالات متحده تبدیل کرد. این مجموعه عملیات را می‌توان به چهار مرحله‌ی متوالی و مرتبط تقسیم کرد: (الف) حذف و ترور نخبگان و فرماندهان، (ب) هدف‌گیری و خنثی‌سازی سامانه‌های دفاعی و پایگاه‌های نظامی، (ج) گسترش به اهداف شهری و غیرنظامی، و (د) مداخله مستقیم ایالات متحده علیه تاسیسات هسته‌ای – که همگی با واکنش موشکی و غیرمتقارن ایران همراه شد. بسیاری از گزارش‌های میدانی و تحلیلی این ترتیب حرکت را تایید کرده‌اند.

الف– حذف نخبگان و فرماندهان (مرحله اول)

عملیات با هدف‌گیری دقیق فرماندهان کلیدی نظامی و دانشمندان هسته‌ای آغاز شد. منابع بین‌المللی گزارش دادند که در روزهای اولیه‌ی حملات، دست‌کم ده‌ها فرمانده ارشد نظامی و تعدادی از دانشمندان و متخصصان هسته‌ای کشته یا هدف قرار گرفتند – اقدامی که رژیم تروریستی آن را ضربه‌ی راهبردی برای تضعیف زنجیره‌ی فرماندهی و توان فنیِ برنامه‌ی هسته‌ای ایران توصیف کرد. گزارش‌های جمع‌بندی رسانه‌ها از این دوره ارقام و نام‌هایی را منتشر کردند و مقامات نظامی رژیم تروریستی نیز بعدها ضمن خلاصه‌سازی عملیات اذعان کردند که شماری از فرماندهان و دانشمندان هدف گرفته شده‌اند.

ب– هدف‌گیری سامانه‌های دفاعی و پایگاه‌های شکاری (مرحله دوم)

همزمان یا بلافاصله پس از ترورها، موجی از حملات هوایی و موشکی به «سامانه‌های پدافندی، رادارها و پایگاه‌های شکاری» ایران صورت گرفت تا توان پاسخ‌دهی هوایی ایران کاهش یابد. گزارش‌های تحلیلی و تصاویر ماهواره‌ای نشان دادند که پایگاه‌هایی در غرب و شمال‌غرب ایران (از جمله از جمله گزارش‌هایی درباره‌ی حملات به پایگاه‌هایی در تبریز، خرم‌آباد، کرمانشاه و همدان) هدف قرار گرفتند تا فضای عملیاتی برای حملات بعدی باز شود. تحلیلگران نظامی اشاره کردند که هدف اصلی گرفتن «برتری هوایی/عملیاتی» و از کار انداختن زنجیره کشف و رهگیری بوده است. (همان شیوه‌ای که در جنگ شش روزه توسط رژیم اشغالی پیگیری شده بود)

ج– گسترش دامنه به اهداف شهری و غیرنظامی (مرحله سوم)

با پیشروی عملیات، دامنه‌ی هدف‌گیری به برخی اماکن شهری و نهادهای حساس گسترش یافت. از جمله‌ی این اهداف که گزارش‌های معتبر آن‌ها را ثبت کردند، می‌توان به «صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران»، «زندان اوین» و «میدان تجریش» در تهران و برخی مراکز بهداشتی و درمانی اشاره کرد. درباره‌ی حمله به زندان اوین، دستگاه قضایی ایران و گزارش‌های خبری بین‌المللی ارقام تلفات و آسیب‌دیدگی را منتشر کردند و سازمان‌های حقوق بشری نیز نگرانی خود را از هدف‌گیری مراکز پرازدحام اعلام کردند. همچنین گزارش شد که نقاطی از تهران و شهرهای دیگر دچار انفجار و خسارت ناشی از حملات هوایی شده‌اند که تلفات غیرنظامی جانی و آسیب به زیرساخت‌ها به دنبال داشت. (اعداد تلفات و تخریب از منابع رسمی ایرانی و شمارش رسانه‌های بین‌المللی متفاوت است؛ مقادیر رسمی ایران در گزارش‌های قضایی و وزارت بهداشت منتشر شد).

د– ورود مستقیم ایالات متحده به ضربه هسته‌ای (مرحله چهارم)

در روزهای پایانی دوازده‌روزه، ایالات متحده نیز وارد عمل شد و به‌صورت مستقیم حملاتی را علیه برخی از تاسیسات هسته‌ای ایران انجام داد. مقامات آمریکایی و گزارش‌های خبری بین‌المللی از حملات هوایی و موشکی ایالات متحده به سایت‌های اصلی هسته‌ای (نطنز، فردو و اصفهان) خبر دادند؛ از جمله اشاره‌هایی به استفاده از بمب‌های «بونکر-باستر» و حضور بمب‌افکن‌هایی با برد بلند و موشک‌های کروز. دولت آمریکا و رئیس‌جمهور وقت این عملیات‌ها را «کاهش ظرفیت هسته‌ای ایران» توصیف کردند، هرچند تحلیل‌های بعدی سرویس‌های اطلاعاتی غربی نشان داد که این ضربات صرفاً باعث تأخیر در برنامه هسته‌ای ایران شده‌اند و تخریب کامل یا برگشت‌ناپذیر رخ نداده است.

استاندار:

۹۰ درصد آب آذربایجان غربی در بخش کشاورزی مصرف می شود

طرح نو؛ گروه خبر

استاندار آذربایجان غربی گفت: در حال حاضر ۹۰ درصد مصرف آب استان در این بخش انجام می‌شود و روند افزایشی کنونی نگران‌کننده است.

رضا رحمانی پیش از ظهر شنبه در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه آذربایجان‌غربی، یکی از مهم‌ترین خطرهای پیش‌روی استان را فرونشست زمین دانست و با تأکید بر لزوم پیش‌بینی راه‌حل‌های مناسب از سوی نهادهای مسئول گفت: اگر خشکسالی ادامه یابد و برداشت از منابع آب افزایش پیدا کند، این پدیده تشدید شده و تبعات بسیار سنگینی به‌دنبال خواهد داشت.

وی خاطرنشان کرد: سازمان جهاد کشاورزی مسئول کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی است و باید برنامه‌های مربوط را اجرایی کند، چراکه ۹۰ درصد مصرف آب استان در این بخش انجام می‌شود و روند افزایشی کنونی نگران‌کننده است.

استاندار آذربایجان‌غربی با بیان اینکه معضل پسماند در برخی شهرها از جمله مرکز استان جدی است و می‌تواند در آینده حادتر شود، گفت: شهرداری ارومیه با جدیت بیشتری به وظایف خود در راستای اجرای طرح‌های مهم این بخش در سایت دفن پسماند عمل کرده تا از بروز مشکلات جدی در آینده جلوگیری شود.

رحمانی با بیان اینکه عمل به تکالیف قانونی و مصوبات شوراهای مختلف باید با جدیت بیشتری از سوی همه نهادهای مسئول دنبال شود و در این زمینه نباید کوتاهی صورت گیرد، اظهار کرد: همه شهرداری‌های استان در قبال پسماند مسئول‌اند و باید برای بهبود وضعیت برنامه‌ریزی کنند.

اختصاص اعتبار ویژه برای ساماندهی سایت پسماند ارومیه

استاندار آذربایجان‌غربی با اشاره به اینکه برای حل این مشکل، به‌ویژه در ارومیه، سرمایه‌گذار بخش خصوصی اعلام آمادگی کرده اما اقدامی از سوی دستگاه‌های مربوط انجام نشده است، اضافه کرد: چرا نهادهای مسئول باید در مقابل سرمایه‌گذار سنگ‌اندازی کنند، در حالی‌که در این حوزه با مشکلات جدی مواجه هستیم و راه‌حل آن نیز بر اساس تجربه‌های جهانی مشخص است.

وی از اختصاص اعتبار ویژه برای ساماندهی سایت پسماند ارومیه خبر داد و گفت: این اعتبار در اختیار معاونت عمرانی استانداری قرار می‌گیرد تا پیشرفت کار به‌صورت ملموس قابل مشاهده باشد.

رحمانی تأکید کرد: گزارش ویژه‌ای باید در کوتاه‌ترین زمان درباره وضعیت پسماند در استان، به‌ویژه شهرهای ارومیه، خوی، مهاباد، میاندوآب و بوکان تهیه شود.

وی همچنین مناسب‌سازی معابر و ورودی ادارات برای معلولان را مطالبه‌ای عمومی عنوان کرد و افزود: در این زمینه برخی نهادها کوتاهی کرده‌اند. در بخش ورودی ادارات، دستگاه‌های اجرایی مسئول‌اند و در معابر عمومی نیز شهرداری باید وظایف خود را انجام دهد؛ اگر این مسئولیت‌ها به‌درستی اجرا می‌شد، اکنون با مشکلی مواجه نبودیم.

در این جلسه همچنین گزارشی درباره مصوبات کارگروه‌های زیربنایی و اقتصادی آذربایجان‌غربی ارائه و مورد تأیید اعضای شورای برنامه‌ریزی و توسعه قرار گرفت.

به مناسبت هفته کتاب؛

کتابخانه بهزیستی ارومیه با بیش از پنج هزار جلد کتاب افتتاح شد

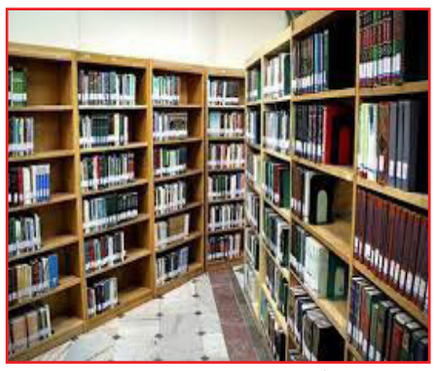

طرح نو؛ گروه خبر

مدیر کل بهزیستی استان آذربایجان‌غربی گفت: کتابخانه بهزیستی ارومیه با بیش از پنج هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف مرتبط با حوزه فعالیت بهزیستی تجهیز شده و با هدف استفاده کارکنان و بهره‌مندی جامعه هدف در محل اداره بهزیستی شهرستان ارومیه آغاز به کار کرده است.

رسول بابایان ضمن ابراز خرسندی از راه‌اندازی این مجموعه فرهنگی، افزایش سطح مطالعه، غنی‌سازی دانش تخصصی کارکنان و فراهم‌سازی دسترسی آسان جامعه هدف به منابع مطالعاتی را از مهم‌ترین اهداف تأسیس این کتابخانه عنوان کرد.

وی با تأکید بر اینکه رشد و توسعه اجتماعی بدون ارتقای فرهنگ مطالعه میسر نیست، افزود: بهزیستی به‌عنوان نهادی اجتماعی، وظیفه دارد علاوه بر ارائه خدمات حمایتی، بسترهای فرهنگی و آموزشی لازم برای توانمندسازی جامعه هدف را نیز فراهم سازد و ایجاد چنین فضاهایی اقدامی مؤثر در همین راستا است.

بابایان ادامه داد: کتابخانه بهزیستی ارومیه با بیش از پنج هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف علوم انسانی، روانشناسی، اجتماعی، کودک و نوجوان، مددکاری و منابع تخصصی مرتبط با حوزه فعالیت بهزیستی تجهیز شده و با هدف استفاده کارکنان و بهره‌مندی جامعه هدف در محل اداره بهزیستی شهرستان ارومیه آغاز به کار کرده است.

وی افزود: این مجموعه قرار است در آینده نزدیک با توسعه خدمات خود، میزبان برنامه‌های فرهنگی، نشست‌های کتابخوانی و کارگاه‌های مرتبط نیز باشد و با افتتاح این کتابخانه، گامی مهم در مسیر ترویج فرهنگ مطالعه، ارتقای دانش و افزایش سطح آگاهی در میان کارکنان و مددجویان برداشته شده و زمینه‌ای ارزشمند برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی در بهزیستی استان فراهم آمده است.

خبر

حمله خرس شهروند مهابادی را روانه بیمارستان کرد

طرح نو؛ گروه خبر

مسئول روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان مهاباد گفت: مردی ۴۵ ساله اهل این شهرستان با جراحت ناشی از حمله خرس به اورژانس بیمارستان امام خمینی (ره) مهاباد مراجعه کرد.

رضا عقیلی فر در این زمینه گفت: این شخص در مسیر جاده مهاباد- پیرانشهر از خودرو خود خارج شده و به ناگهان مورد حمله خرس قرار گرفته بود.

وی افزود: این فرد که از ناحیه شکم، سر و پا زخمی شده بود با کمک چراغ قوه، خرس را فراری داده و خود را به روستای قاضی‌آباد رسانده و سپس با کمک اهالی این روستا به بیمارستان امام خمینی (ره) مهاباد اعزام شده بود.

مسئول روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان مهاباد گفت: اقدامات پزشکی لازم برای این مصدوم در بخش اورژانس بیمارستان امام خمینی (ره) مهاباد صورت گرفته و پس از بهبودی نسبی با رضایت خود از بیمارستان ترخیص شده است.

وی از روستاییان و گردشگران این منطقه خواست هنگام کوهپیمایی در مناطق کوهستانی به دلیل احتمال حمله حیوانات وحشی از جمله خرس و گرگ از تک‌روی و جدا شدن از گروه خودداری کنند.

وی یادآور شد: خرس قهوه‌ای مانند سایر گونه‌های جانوران تا زمانی که مورد آزار و اذیت قرار نگیرد، هیچ خطری برای انسان ندارد و در صورت نزدیکی به انسان سعی می‌کند با فرار کردن خود را از دید مخفی سازد.

شناسه آگهی: ۲۰۵۶۴۴۱ م الف: ۲۰۵۶۴۴۱ روزنامه طرح نو

شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۰۰۵۰۰۷۲۹۷
تاریخ ارسال نامه ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد حسین احمدی عیش آباد ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده وارده به شماره درخواست ۱۴۰۴۲۱۷۰۴۰۰۵۰۱۵۷۵۲-۱۴۰۳/۰۸/۱۸ اعلام نموده‌اند سند مالکیت یک سهم مشاع از دو سهم ششدانگ یک باب محل خانه که تحت پلاک ۳۹۵ فرعی از ۵۱ اصلی واقع در بخشکند بخش ۱۵ تبریز در دفتر املاک جلد ۱۲۵ صفحه ۴۱۶ ذیل ثبتی ۳۰۰۳۵ به نام آقای عبداله علیزاده ثبت و سپس برابر سند انتقال قطعی شماره ۹۸۱۲۱- ۱۳۷۷/۱۰/۰۸ دفترخانه ۶۸ مرند در حق آقای محمد حسین احمدی عیش آباد انتقال یافته و سند مالکیت آن به سریال ۲/۸۷۳۹۷۱صادر و تسلیم گردیده است و بعدا سند اولیه پلاک فوق الذکر به علت جابه جایی مفقود گردیده و آقای محمد حسین احمدی عیش آباد در خواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این اگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

احد فعال
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند

شناسه آگهی: ۲۰۴۲۴۱۰ روزنامه طرح نو

شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۲۲۸۶
تاریخ : ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۲۲۸۴ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۱۹۸۲۲ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۱۸۹۸۹ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم/ آقای سید جعفر حسینی اصل فرزند سید رضا بشماره شناسنامه ۵۶۱ صادره از شرفخانه در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۹۶.۱۵ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۸۰ فرعی از سنگ ۴۳- اصلی واقع در قانچی از بخش ۱۶ شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شبستر و ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۸۶۷.۱۲ متر مربع از پلاک ۹۸ فرعی از سنگ ۴۳- اصلی واقع در قانچی از بخش ۱۶ شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

شناسه آگهی: ۲۰۵۳۲۸۸ روزنامه طرح نو

شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۰۰۱۰۹۱۲
تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

آگهی فقدان سند مالکیت

ششدانگ یک دستگاه آپارتمان تحت پلاک ۱۰۸ فرعی از ۷۷۱۲ اصلی واقع در بخش پنج تبریز در دفتر املاک الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۴۱۷۰۰۲۱۰۶۹ بنام علی بهلولی فر ثبت و سند به شماره چاپی ۰۸۰۷۷۲الف ۰۱ صادر گردیده است. حال مالک با ارائه استشهاد محلی به شرح درخواست ۱۴۰۴۶۲۶۵۱۰۷۹۰۰۰۱۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ دفترخانه ۱۶۲ تبریز مدعی فقدان سند مالکیت مزبور بعلت اسباب کشی شده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود هر کس ادعائی نسبت به وجود ورقه مالکیت یا انجام هر گونه معامله را نزد خود دارد می تواند اعتراض خود را کتباً به مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت تبریز تسلیم نماید. بدیهی است پس از انقضای مدت قانونی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد و به اعتراضات وارده در خارج از مدت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

سراج رفیعیان
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه جنوب تبریز

مفقودی روزنامه طرح نو

برگ‌سبز و سند کمپانی سیستم سایپا تیپ ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۸ به شماره موتور M۱۳۶۳۷۸۴۳۲ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰K۳۵۶۹۶۸۹ به شماره پلاک ۱۵ ایران ۳۴۳ ق ۶۱ به مالکیت آقای روح الله رضی پور کویج مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

مفقودی روزنامه طرح نو

اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژوآردی مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۲۵ – ۶۱۶ ج۳۷ شماره موتور۱۱۷۸۵۰۳۱۶۶۹و شماره شاسی ۲۳۴۲۵۵۱۸ بنام خانم زهرا عبداله زاده مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی روزنامه طرح نو

برگ سبز خودرو – سواری پراید صبا جی.تی ایکس مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۳۵ ایران۵۶۳ ی۴۳ به شماره موتور ۰۰۳۱۸۴۸۸ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۱۷۸۲۳۲۱ به مالکیت خانم ساناز با کد ملی ۱۳۶۲۲۲۳۲۶۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی روزنامه طرح نو

کارت خودرو – سواری سمند ال ایکس مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۱۵ایران۳۷۴م۴۷ به شماره موتور ۱۲۴۸۴۲۲۹۰۷۶ و شماره شاسی ۱۷۶۱۹۳۰۰ به مالکیت آقای محمد علیزاده سیه کلان با کد ملی ۱۷۳۹۲۸۹۱۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسه آگهی: ۲۰۵۶۴۴۶ روزنامه طرح نو

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۰۰۱۸۱۵۵
تاریخ : ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۲۰۹۹-۱۴۰۴/۶/۱۷ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای توحید حیدری فرزند حسین بشماره پرونده ۲۰/۱۴۰۴/ه در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۳۴.۲۵ متر مربع مفروزه از پلاک ۶۱- اصلی واقع در قریه دیزبین بخش ۲۰ تبریز ابتیاعی از بعنوان مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود که همه روزه در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمد مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک تا سی ۳۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک اهر تسلیم نموده و رسید اخذ نمایند و الا حق از آنان ساقط خواهد شد همچنین مطابق ماده ۸۶ اصلاحی قانون مذکور اعتراض باید کتبی و مستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک اهر تسلیم و معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد و املاک ، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید و در غیر اینصورت متقاضی ثبت و نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مراجعه نموده و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل نماید . بدین ترتیب اداره ثبت اسناد و املاک بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

ابراهیم نوری
رئیس ثبت اسناد و املاک اهر

شناسه آگهی: ۲۰۴۷۴۸۳ روزنامه طرح نو

شماره: ۱۰۴/۴/۶۶۴۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود قسمتی از پلاکهای ذیل واقع در بخش ۲۸- تبریز که مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک سابقه تحدید حدود ندارند طبق این آگهی به اطلاع عموم آگهی می گردد.

آگهی از قریه چیناب پلاک ۲۲– اصلی دهستان دیکله بخش ۲۸– تبریز

۱– پلاک ۲۲/۳۰۵- اصلی آقای حسین شهباززاده حسینکلو فرزند رشید ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی

۲– پلاک ۲۲/۳۰۶- اصلی آقای حسین شهباززاده حسینکلو فرزند رشید ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی

۳– پلاک ۲۲/۳۰۷- اصلی آقای حسین شهباززاده حسینکلو فرزند رشید ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی

روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ رأس ساعت ۱۰ سبح

لذا بدینوسیله کسانی که اعم از مالکین ، مجاورین و سایر اشخاص نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی پلاکهای قید شده اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود که همه روزه در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمد مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک تا سی ۳۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک اهر تسلیم نموده و رسید اخذ نمایند و الا حق از آنان ساقط خواهد شد همچنین مطابق ماده ۸۶ اصلاحی قانون مذکور اعتراض باید کتبی و مستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک اهر تسلیم و معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد و املاک ، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید و در غیر اینصورت متقاضی ثبت و نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مراجعه نموده و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل نماید . بدین ترتیب اداره ثبت اسناد و املاک بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

ابراهیم نوری– رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اهر

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام باقر (ع) :
هر کس ظاهرش بهتر از باطنش باشد، ترازوی اعمالش سبک باشد

یکشنبه ۲ آذر ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۴۴۸

خبر

تشریح فعالیت های گرامیداشت هفته بسیج توسط شهردار منطقه ۲ تبریز

طرح نو؛گروه شهری

شهردار منطقه ۲ تبریز برنامه های گرامیداشت هفته بسیج توسط این منطقه را تشریح کرد. به گزارش امور ارتباطات، عباس هاشمی اجرای برنامه های متعدد و مختلف فرهنگی توسط این منطقه به مناسبت گرامیداشت هفته بسیج را تشریح کرد.

وی، مهمترین این برنامه ها را شرکت کارکنان شهرداری منطقه ۲ در مراسم تشییع چهارتن از شهدای گمنام هشت سال دفاع مقدس نام برد و گفت: به همراه مدیران استانی و شهری کارکنان این منطقه همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه الزهرا (س) روز دوشنبه ۳ آذر در مراسم تشییع شهدا شرکت کرده و همسو با این مراسم همچنین کارکنان این منطقه در مراسم غبار روبی و عطر افشانی مزار مطهر شهدا شرکت می کنند.

شهردار منطقه ۲، همچنین از تعویض و نصب تصاویر شهدای ایران همیشه سرافراز و فضاسازی این روز تاریخی با نصب بنرهای متعدد در معابر اصلی از جمله بلوار ۲۹ بهمن و مقابل ساختمان اداری منطقه نیز خبر داد و افزود: در همین راستا فیلم های مناسبتی گرامیداشت هفته بسیج با جلوه های جوانمردی و ایثار بسیجیان از طریق تلویزیون شهری پخش می شود.

هاشمی، همچنین از مشارکت شهرداری منطقه ۲ در برنامه های این هفته در مساجد و مدارس هم خبر داد و گفت: نصب تصاویر بسیجیان جبهه های حق علیه باطل هشت سال دفاع مقدس در سازه های مختلف و به نمایش گذاشتن این تصاویر در سالن های ساختمان اداری منطقه از سایر برنامه های گرامیداشت هفته بسیج محسوب می شود.

به گفته هاشمی، برنامه های فرهنگی و ورزشی از جمله شرکت کارکنان شهرداری منطقه ۲ در همایش کوهروی در ائل باغی از دیگر برنامه های این منطقه در هفته بسیج امسال است.

شهردار تبریز:

سیاست مدیریت شهری توزیع خدمات در محلات کم برخوردار است

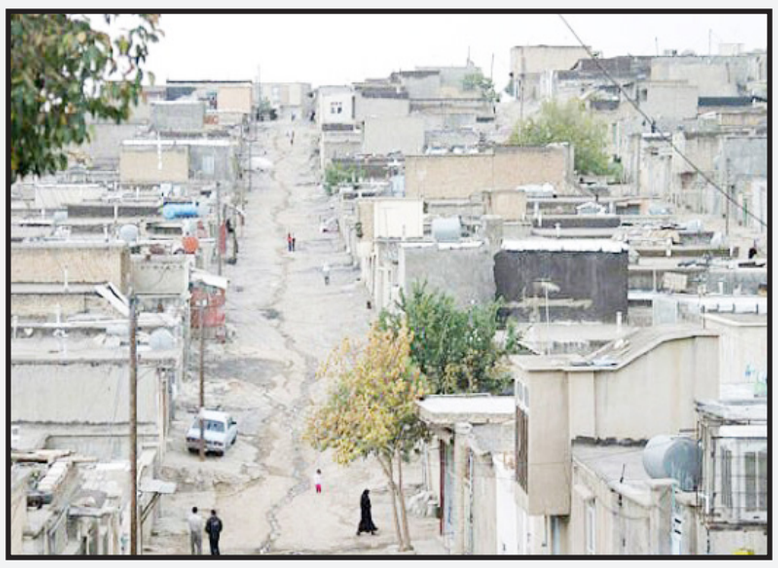

طرح نو؛گروه شهری

شهردار تبریز از اجرای مراحل نهایی طرح توسعه زیرساخت های ورزشی خبر داد و گفت: تمرکز دوره ششم مدیریت شهری بر ارتقای کیفیت و سرانه های خدماتی در مناطق کم برخوردار است و سیاست مدیریت شهری توزیع خدمات گسترده در محلات کم برخوردار شهر است.

یعقوب هوشیار در جریان برگزاری هفتمین قرار از دور هفتم قرارهای خدمت شهرداری تبریز افزود: رویکرد فعلی شهرداری بر»ارتقای کیفیت خدمات»، «افزایش سرانه‌های خدماتی» و «تسریع در اجرای پروژه‌های عمرانی» متمرکز است.

به گفته هوشیار طی ماه‌های اخیر بخش قابل‌توجهی از پروژه‌های فضای سبز، مسیرگشایی و توسعه اماکن ورزشی وارد مراحل نهایی شده‌اند و این روند به‌صورت مستمر پایش می‌شود.

وی به اهمیت انجام خدمات محله ای اشاره کرد و گفت: گاهی نزد مردم اهمیت خدمات محله ای کمتر از مسیرگشایی و پل روگذر نیست و باید شهرداران مناطق در کنار پروژه های بزرگ به خدمات محله ای و حل مشکلات شهروندان رسیدگی کنند.

هوشیار با اشاره به برنامه‌های سال ۱۴۰۴ تصریح کرد: تمرکز شهرداری بر توزیع متوازن خدمات در مناطق مختلف شهر است و برخی پروژه‌های شاخص از جمله طرح‌های عمرانی در مناطق غرب و شمال‌غرب به‌دلیل ویژگی‌های جمعیتی و ظرفیت‌های توسعه‌ای این مناطق، سرعت بیشتری گرفته‌اند.

شهردار تبریز همچنین گفت: بازدیدهای میدانی از مناطق دهگانه به‌طور منظم انجام می‌شود تا وضعیت اجرای پروژه‌ها و نحوه ارائه خدمات شهری از نزدیک بررسی شود.

به گفته او، این بازدیدها باعث شده تصمیم‌گیری‌ها دقیق‌تر و مشکلات اجرایی سریع‌تر برطرف شود و اینکه اعضای شورای اسلامی شهر به ما تذکر می دهند و خواستار حل مشکلات محلات می شوند یعنی در شهرداری توان اجرا را دیده اند و شهرداری توانایی اجرای برنامه های مصوب را دارد.

او ادامه داد: تسویه ۹۸ میلیارد تومان بدهی در منطقه ۷ اقدام مهمی بود. در سال ۱۴۰۱ حتی یک متر شبکه فاضلاب در برخی بخش‌ها وجود نداشت، اما امروز بیش از ۹۵ درصد منطقه به فاضلاب شهری متصل شده و شهروندان برای این اتصال هزینه‌ای پرداخت نکردند. اتصال دیزل‌آباد نیز در حال پیگیری است.

او در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد: مدیریت شهری تلاش می‌کند با استفاده از منابع موجود، پروژه‌ها را با کیفیت مناسب و در زمان‌بندی تعیین‌شده به سرانجام برساند و پاسخ‌گوی مطالبات شهروندان باشد.

شهردار تبریز به عملکرد آسفالت منطقه ۷ اشاره کرد و گفت: در سال ۱۴۰۱ فقط ۱۸ هزار تن آسفالت در منطقه توزیع شد، اما امسال به ۷۵ هزار تن خواهد رسید. این حجم حدود ۳۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد، در حالی که بودجه مصوب آسفالت منطقه ۸۰ میلیارد تومان است. با این حال، همکاران ما برای بهبود معابر از توان خود فراتر رفته‌اند.

به گفته شهردار تبریز: اجرای همزمان ۶۷ پروژه عمرانی فعال در منطقه ۷ یعنی این منطقه پویاست. امروز منطقه ۷ در رتبه دوم درآمدی مناطق قرار دارد و ظرفیت بالایی در حوزه شهرسازی دارد. اگر حتی چند برابر هم کار کنیم، ارزش دارد؛ چون مردم این منطقه شایسته بهترین خدمات هستند.

هوشیار خواستار تسریع صدور مجوز بازارچه‌ها شد و گفت: طرح تفصیلی کوجوار تکمیل شده و باید برای اجرای آن همکاری لازم صورت گیرد. قرارگاه مسکن نیز پشتوانه مالی سال‌های آینده پروژه‌ها خواهد بود.

وی درباره پروژه مسیرگشایی شهید سعیدی گفت: روزشمار افتتاح این مسیر برای ۱۲ بهمن سال جاری فعال شده است. باغات حاشیه مسیر تثبیت شده و موضوع حفاظت از باغ‌ها و اجرای فیبر نوری همچنان پیگیری می‌شود. راه‌اندازی خط اتوبوس در مسیر نیز در دست اقدام است.

هوشیار درباره پروژه‌های شاخص نیز گفت: پل دیزل‌آباد که از سال ۹۱ بلاتکلیف مانده بود، در این دوره عملیاتی شد. سالن‌های ورزشی، فضاهای سبز و مجموعه‌های خدماتی منطقه در وضعیت قابل قبول قرار دارد، اما در سرانه‌های شهری هنوز کارهای مهمی در پیش است.

شهردار تبریز درباره باغات این منطقه نیز افزود: در باغ معروف و اوغلی دولت باید مجوزهای لازم را صادر می‌کرد، اما کوتاهی شد و وظیفه بر دوش شهرداری افتاد. حفاظت از باغات برای ما اولویت است.

هوشیار با اشاره به پیگیری‌های کلان گفت: مسائل مربوط به منطقه را از طریق وزارت اقتصاد نیز دنبال کرده‌ایم. نکته مهم این است که آمار صدور پروانه‌های ساختمانی در منطقه کاهش نیافته؛ موضوعی که برای منطقه‌ای که سابقه ساخت‌وساز غیرمجاز داشته، اهمیت ویژه دارد.

گزارش

طرح نو در گفتگو با کارشناسان حوزه‌ی شهری بررسی می‌کند:

ترافیک تبریز؛ شهری در آستانه‌ی بازگشت اعتماد و راه‌یافتن نظم نو

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

بخش پایانی؛ مشاهدات میدانی خبرنگار طرح نو

ایمان و شفافیت، از آسفالت و پل هم مهم‌تر است

در پیگیری‌های میدانی خبرنگار طرح نو در سطح مناطق مختلف شهر، از جمله مسیرهای پررفت‌وآمد ولیعصر، عباسی، طالقانی و میدان ساعت، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، تغییر محسوس رفتار ترافیکی در ساعات اوج تردد است. بخش عمده‌ای از گره‌های ترافیکی نه به کمبود ظرفیت فیزیکی، بلکه به رفتار غیرمنظم و بی‌اعتمادی متقابل میان رانندگان بازمی‌گردد. در برخی تقاطع‌ها، اصلاحات فیزیکی جدید (نظیر تغییر جهت خیابان‌ها و جمع‌آوری چراغ‌های کنترل‌دار) نتوانسته جریان عبور را روان‌تر کند، زیرا الگوی رفتاری رانندگان مطابق طرح جدید تغییر نکرده است. بیشتر رانندگان، به‌ویژه در مناطق مرکزی، از نبود نظارت هوشمند مؤثر و اطلاع‌رسانی دقیق تغییرات گلایه داشتند.

در مسیرهای جنوبی‌تر، به‌ویژه ناحیه‌ی ایل‌گلی تا آبرسان، مشکلات دیگری مشاهده شد: فرسودگی اتوبوس‌ها، فاصله‌ی زیاد بین حرکت ناوگان، و ضعف سامانه‌ی کارت‌بلیت یکپارچه. شهروندان معتقدند که وعده‌ی «افزایش تعداد و کیفیت اتوبوس‌ها» هنوز به اجرا درنیامده و بیشتر احساس می‌کنند پروژه‌ها در سطح اطلاع‌رسانی باقی مانده‌اند.

این مشاهدات میدانی در کنار گفت‌وگوهای شهروندی نشان می‌دهد که مسئله‌ی ترافیک تبریز صرفاً فنی یا مالی نیست؛ بلکه نوعی گسست اعتماد و ناهم‌زمانی میان تصمیم و تجربه‌ی روزمره‌ی مردم وجود دارد. بازگشت این هماهنگی تنها در گرو صداقت مدیریتی، پیوست فرهنگی تصمیمات، و استمرار ارتباط مستقیم با شهروندان است.

سؤال ۱. به نظر شما مشکل اصلی ترافیک تبریز در چیست؟

سارا رحیمی: من فکر می‌کنم مشکل ما کمبود خیابان یا فضای فیزیکی نیست. در واقع برخی خیابان‌ها حتی ظرفیت خوبی دارند، اما طراحی هندسی و مدیریت‌شان نادرست است. هر خیابان به جای اینکه بخشی از شبکه‌ی منظم باشد، به‌صورت جزیره‌ای عمل می‌کند.

کامران یوسفی: دقیقاً. توسعه‌ی بی‌برنامه باعث شده هر محله مسیر خودش را داشته باشد. من هر روز می‌بینم که یک تغییر در یک تقاطع، ترافیک سه خیابان پایین‌تر را هم مختل می‌کند. یعنی نگاه کلی وجود ندارد.

سؤال ۲. شما بیشتر از خودروی شخصی استفاده می‌کنید یا از وسایل حمل‌ونقل عمومی؟

سارا رحیمی: معمولاً خودم رانندگی می‌کنم چون اتوبوس‌ها قابل پیش‌بینی نیستند. گاهی نیم ساعت منتظرم اما خبری نمی‌شود.

کامران یوسفی: من راننده تاکسی‌ام، ولی خودم هم حس می‌کنم مردم چاره‌ای جز استفاده از ماشین ندارند. وقتی ناوگان عمومی فرسوده و بی‌برنامه است، طبیعتاً کسی رغبت ندارد.

سؤال ۳. وضعیت اتوبوس‌ها را چطور می‌بینید؟

کامران یوسفی: بیشتر اتوبوس‌ها فرسوده‌اند. شاید ده سال است این ناوگان نوسازی نشده. وقتی اتوبوس وسط راه خراب می‌شود، هم به مردم آسیب می‌زند، هم به راننده‌ها.

سارا رحیمی: و وقتی مردم تجربه‌ی بدی از اتوبوس دارند، دیگر سراغش نمی‌آیند. این مسئله خودش باعث ترافیک بیشتر می‌شود.

سؤال ۴. به مترو به‌عنوان جایگزین امید دارید؟

سارا رحیمی: اگر کامل شود، صددرصد. ولی فعلاً خط یک هم نیمه‌کاره است. سیگنالینگ و تهویه درست کار نمی‌کند.

کامران یوسفی: پروژه‌های مترو باید مثل ستون فقرات شهر باشند، ولی چون سرمایه‌گذار مطمئنی وجود ندارد، هر سال نیمه‌تمام می‌مانند.

سؤال ۵. از دید شما چرا سرمایه‌گذاران وارد پروژه‌های ترافیکی نمی‌شوند؟

کامران یوسفی: درآمدش معلوم نیست. نه تضمینی هست، نه قرارداد بلندمدت. هر سرمایه‌گذاری که مطمئن شود پولش برمی‌گردد، وارد می‌شود.

سارا رحیمی: در واقع دولت و شهرداری باید تضمین بدهند. مثل کشورهایی که سرمایه‌گذار سودش را از صرفه‌جویی سوخت یا تبلیغ در ناوگان برمی‌گرداند.

سؤال ۶. به نظر شما تصمیمات ترافیکی کارشناسی می‌شود؟

سارا رحیمی: گاهی نه. تغییرات ناگهانی بدون اعلام یا آزمایش دقیق مردم را آزرده می‌کند. تصمیمات باید بر پایه داده، نه سلیقه فردی باشد.

کامران یوسفی گفت: برخی اصلاح‌های هندسی بدون پشتوانه مطالعاتی انجام می‌شود؛ نمونه‌اش میدان‌هایی است که کوچک شدند و اکنون ترافیک، بیش از گذشته گسترش می‌یابد.

سؤال ۷. نقش رفتار شهروندان را چطور می‌بینید؟

کامران یوسفی با اشاره به چالش‌های رفتاری در ترافیک شهری گفت که **رعایت نظم هنوز به یک عادت اجتماعی پایدار تبدیل نشده است.

او افزود که رفتارهایی چون پارک دوبل، توقف در محل تقاطع یا بوق‌زدن‌های پی‌درپی و بی‌مورد، به امری روزمره بدل شده‌اند و ریشه‌ی آن را باید در ضعف آموزش شهروندی و نبود الگوسازی رفتاری از سوی مدیران و نهادهای مسئول جست‌وجو کرد؛ مسائلی که تا اصلاح نشوند، هر سازوکار هوشمندی در نهایت به همان بی‌نظمی پیشین بازمی‌گردد.سارا رحیمی: بله، اما مردم وقتی ببینند مدیریت نسبت به آن‌ها منصف است و خدمات درست می‌دهد، خودشان هم قانون‌مندتر می‌شوند.

سؤال ۸. رسانه‌ها چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

سارا رحیمی: اگر رسانه‌ها روشنگری کنند، مردم با تصمیمات ترافیکی همراه می‌شوند. خیلی وقت‌ها علت اجرای طرح‌ها روشن گفته نمی‌شود.

کامران یوسفی: بله، گاهی یک اطلاع‌رسانی صادقانه خیلی بیشتر از تابلو و جریمه اثر دارد.

سؤال ۹. آیا اعتماد مردم به مدیریت شهری در حوزه ترافیک کافی است؟

سارا رحیمی: هنوز نه. مردم حس می‌کنند تصمیم‌ها پشت درهای بسته گرفته می‌شود.

کامران یوسفی: اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که مردم باور کنند هدف تصمیم‌ها، خدمت واقعی به آسایش و امنیت آن‌هاست، نه نمایشی از کار یا نتیجه‌ی فشارهای سیاسی؛ اعتمادی که تنها در سایه‌ی صداقت رفتاری و استمرار در پاسخ‌گویی پدید می‌آید.

سؤال ۱۰. در آینده تبریز را چگونه می‌بینید؟

سارا رحیمی: امیدوار است شهری شکل گیرد که تردد با وسایل حمل‌ونقل عمومی امری عادی و طبیعی باشد، نه استثنا بماند.

کامران یوسفی: من هم امیدوارم مسئولان فقط وعده ندهند. مردم اگر صداقت را ببینند، همراه می‌شوند. ایمان و شفافیت، از آسفالت و پل هم مهم‌تر است.

تحلیل خبرنگار

در نهایت، آنچه از مجموع همه‌ی گفت‌وگوها و داده‌های میدانی برمی‌آید، این است که مسئله‌ی ترافیک تبریز نه صرفاً بحران حرکت، بلکه نشانه‌ای از نحوه‌ی مواجهه‌ی یک شهر با خودش است. ترافیک، زبان جامعه‌ای است که در آن قانون نوشته می‌شود ولی اجرا ناقص می‌ماند؛ مدیری تصمیم می‌گیرد اما هماهنگی نهادی کم‌رنگ است؛ و مردمی که گاه صبرشان را از دست داده‌اند، با این‌حال هنوز نسبت به اصلاح امید دارند.

همان‌طور که مدیران و کارشناسان نیز در گفت‌وگوها اشاره کردند، تبریز اکنون در آستانه‌ی تغییری فکری و ساختاری ایستاده است؛ از مدیریت واکنشی به سمت مدیریت پیش‌بین (پیش‌فعال). فعال‌سازی کامل مرکز مدیریت هوشمند ترافیک (TMC) می‌تواند نقطه‌ی چرخش این مسیر باشد؛ جایی که تصمیم‌ها نه از دل ازدحام میدانی، بلکه بر مبنای داده و تحلیل گرفته می‌شوند. این دگرگونی، آغاز نوعی بلوغ مدیریتی است که قانون، سرمایه و فرهنگ را در یک مدار واحد می‌نشاند.

اما برای عبور از بحران ترافیک، اعتماد عمومی از همه چیز حیاتی‌تر است. مردم زمانی در اصلاحات جدی همراه می‌شوند که شفافیت نه در شعار، بلکه در رفتار دیده شود؛ وقتی بودجه‌ها، طرح‌ها و تصمیم‌ها برای شهروندان قابل پیگیری باشند، همراهی نیز خودبه‌خود شکل می‌گیرد. رسانه‌ها در این میان باید روایتگر مسیر شوند، نه فقط راوی نواقص. ترافیک تبریز تنها با جریمه و دوربین حل نخواهد شد، بلکه با اعتمادی که دوباره میان شهر و مدیر ساخته می‌شود.

تبریز اگر بتواند هم‌زمان شجاعت مدیریت، واقع‌گرایی اقتصادی و فرهنگ گفت‌وگوی اجتماعی را کنار هم بنشاند، می‌تواند از ترافیک مزمن به شهری یادگیرنده و هماهنگ بدل شود. در این مسیر، صداقت مدیران، مشارکت شهروندان و پایداری رسانه‌ها سه ضلع مثلثی‌اند که هر گامی به‌سوی نظم نو را ممکن می‌سازند. این گزارش، تنها روایتی از عبور خودروها نیست، بلکه بازتابی از عبور یک شهر از بی‌اعتمادی به سمت ظرفیت تازه‌ای برای باهم‌بودن است.